

گسترش جنگ به خلیج فارس گامی دیگر به کام آمریکا

در پی حملات نیروهای رژیم عراق به کشتی‌های تجاری و نفت کش و اقدامات تلافی جویانه حکومت ایران طی ماه‌های اردیبهشت و خرداد، بخش دیگری از نقشه آمریکا برای ایجاد و گسترش "بحران" در خلیج فارس به اجرا درآمد و اوضاع در این منطقه به اوج وخامت خود در طول جنگ چهل و چهار ماهه ایران و عراق رسید.

نیروهای عراقی در پی تهدیدهای قبلی همه تلاش خود را متوجه آن کرده‌اند که از پهلوسه گرفتن نفتکشها در بنادر ایران جلوگیری کنند و تا سیات نفتی ایران را در خلیج فارس و جزیره خارک منهدم سازند. خطر منطقه‌ای شدن جنگ که از آغاز وجود داد و ستد تدریجا افزایش یافت، طی رویدادهای اخیر که خود پیامد گریزناپذیر ادامه جنگ از سوی جمهوری اسلامی ایران و تلاشهای رژیم عراق برای گسترش آن به خلیج فارس است، رو به اوج نهاد و نخستین چرخه‌های این آتش میبهر آبهای خلیج پرتو افکند.

روز یازدهم خردادماه، جنگنده‌های عراقی عربستان سعودی با هدایت آواکسهای آمریکا طی دو هواپیمای جنگی جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کردند. این اقدام که با هدایت آمریکا و با هدف مدیدن در گورخ نبرد منطقه‌ای صورت گرفته است، می‌تواند سرخلقه رویدادهای بس فاجعه‌باری باشد. روزنامه گاردین در این باره نوشته است: "طابق شایعاتی که در واشنگتن جریان دارد، آمریکا عمداً عربستان سعودی را ترغیب کرده است که با اقدامات نظامی در خلیج فارس دست بزند."

هفته‌نامه اسپیکل چاپ آلمان علاوه بر این نوشته است که یکی از غلبانهای هواپیماهای مهاجم عربستان سعودی، آمریکایی بوده است.

با یک هفته پیش از حمله جنگنده‌های سعودی، برزیلکی مشاور امنیتی کارتر مستقیماً به نقش عربستان سعودی در گسترش جنگ اشاره کرد و گفت عربستان سعودی با استفاده از جنگنده‌های اف-۱۵ آمریکایی که توسط آواکسهای آمریکا هدایت می‌شوند، می‌تواند به هواپیماهای ایرانی حمله ور شود.

برزیلکی در این مصاحبه گفت: چنانچه اقدامات عربستان سعودی کافی نباشد، نیروهای انگلیسی و دریایی آمریکا با همکاری نیروهای ایتالیایی و فرانسوی وارد عمل می‌شوند. در تاریخ ۲۱ اردیبهشت منابع آمریکایی اعلام کردند که "کشورهای عربی مجاور خلیج فارس در تدارک دفاع مشترک هوایی علیه حملات هواپیماهای ایرانی به کشتی‌های خلیج فارس هستند."

در پی آن روز چهارم خرداد، واین ریگر وزیر جنگ آمریکا گفت: "آمریکا نایل است به کشورهای معتدل خلیج فارس برای دفاع از خود این کشورها و امنیت کشتیرانی در خلیج فارس کمک کند." اهداف آمریکا و هندستان آن از میاهسوی رذیله‌های که پیرامون "بحران خلیج فارس و تنگه هرمز" برآه انداخته‌اند، از بیش معلوم است.

سازیر شدن بازم بیشتر نیروهای نظامی آمریکا زیر پوشش "حفظ امنیت منطقه" و به قصد تکمیل تدارک برای ترق کامل خلیج و دخالت مستقیم فزاینده در امور کشورهای منطقه، ریگان قبلاً و در جریان تکوین این ماجراجویی تازه بار دیگر بقیه در صفحه ۲

اظهاره کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از توافق روی قطع حمله به مناطق مسکونی استقبال میکنیم این توافق باید به آتش بس کامل و صلح بین دو کشور تبدیل شود

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در پی توافق حکومت‌های ایران و عراق در مورد قطع حمله به مناطق مسکونی و هدفهای غیرنظامی، با صدور اظهاریه‌ای در تاریخ ۲۴ فروردین ماه، استقبال و خرسندی سازمان را از این توافق اعلام کرده و خواهان گسترش آن به سراسر جبهه‌های جنگ و برقراری صلح بین دو کشور شده است. متن اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در صفحه ۲ همین شماره کار درج شده است.

آیت الله خمینی:

حکم، حکم شورای نگهبان است

انتخابات در شرایط ترور بسیار خفقان شدید حاکم بر کشور بپایان رسید و دوره دوم مجلس شورای اسلامی گشایش یافت. همانطور که اعلامیه مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران درباره انتخابات پیش‌بینی می‌کرد، نقشه رهبران رژیم، در تحمیل مجلس راست به کشور، با توسل به اختناق و تهدید و تقلب پیاده شد.

ارتجاع تسخیر تمام کرسیهای مجلس را هدف قرار داده بود، و همه امکانات خود را در این راه بکار گرفت. ماشین تبلیغاتی روحانیت حاکم در منابر و مساجد و تکاپا براه افتاد. دهها میلیون تومان توسط بازار در انتخابات خرج شد. سپاه، بسیج، کمیته‌ها و حکام شروع به سرکوب و خشکانه همه نیروهای انقلابی، علیه کاندیداهای "نامطلوب" هم شایعه پراکندند و پرونده ساختند. شورای نگهبان پرده ریاکاران زد و علناً بود مرتجع ترین نیروهای راست مداخله کرد و با این روش‌های رذیله، جبهه نیروهای راست قادر شد کاندیداهای ناراضی را در اکثریت حوزه‌ها حذف کند و مهار مجلس را بدست گیرد.

از آن زمان که سران رژیم به راست گرایش یافتند یکی از اهداف همیشگی آنان به دست گرفتن کامل مهر مجلس بود. از آن موقع سران رژیم نسبت به مجلس خط مشی ثابت و روشی بزرگ کردند. مطابق این خط مشی مجلس شورای اسلامی باید با شورای نگهبان منتخب امام هماهنگ شود و خود را با آن انطباق دهد. رهبران جمهوری اسلامی تا کنون در اجرای خط مشی فوق‌گامهای بلندی به جلو برداشته‌اند.

مجلس اول، مجلس نمایندگان تمام مردم نبود، در آن مجلس نمایندگان واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران حضور نداشتند. با این حال، در آغاز کار، مجلس سابق خود را پاسدار قانون اساسی می‌دانست و اکثر نمایندگان آن راهزنی‌های حرکت خود قرار داده و بخود اجازه می‌دادند که حتی بر خلاف نظر و میل شورای نگهبان هم اظهار نظر کنند و وزیر را به استیضاح کشند و در مواردی از تایید صلاحیت برخی از وزرای پیشنهادی رهبری رژیم امتناع کنند. اکثریت نمایندگان مجلس را مافوق همه ارگانهای جمهوری اسلامی میشناختند. در مجلس کسانیکه حضور داشتند که از پشت تریبون مجلس گوشه‌هایی از واقعیات جاری کشور و سیاست خائنه راست را به آگاه‌های مردم می‌رساندند. گروه معینی از نمایندگان در برابر جناح راست ایستاده بودند. رهبری جمهوری اسلامی مدتها تبلیغ کرده بود که مجلس در راس امور قرار دارد. مجلس هم باور کرده بود. اما وقتی رهبری به دفاع آشکار از مواضع شورای نگهبان برخاست (دی ماه ۶۱) دیگر برای آیت الله خمینی، مخالفت مجلس با شورای نگهبان قابل تحمل نبود. و از این زمان ببعدهمردم کوشیدند مجلس مطیع "شورا" گردد و بی چون و چرا به تمام مواضع ارتجاعی آن تسلیم شود. حتی قبل از آنکه رهبری در موضع شورای نگهبان قرار گیرد، ارتجاع

جنبش ملی خلق کرد
در آستانه ششمین سال تهاجم حکومت
در صفحه ۴

درون مجلس با چماق شرع و فتوای مرتجعان، قانون اساسی و مدافعان آن را تکفیر و تهدید می‌کرد و توصیه افراطیون راست مجلس به سایر نمایندگان آن بود که قانونی که شورای نگهبان آن را مخالف شرع بنماید، به تصویب نرسانند. آنگاه که فشار رهبران رژیم مقاومت مجلس را در هم شکست و مجلس را وادار ساخت که در تصویب قوانین نظرات فقهای شورای نگهبان را ارضای عمل و ملاک کار خود قرار دهد، خط مشی رهبری در مطیع کردن مجلس اول پیروز شده بود و گام اول در اجرای آن برداشته شد. مجلس اول در پایان کار، به "غیرشرعی" بودن قانون اساسی رای داد. (اطلاعات، ۲ اردیبهشت ۶۲)

انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی گام بلند بعدی بود که رهبری جمهوری اسلامی در اجرای نقشه خود به جلو برمیداشت. با انتخابات، صفوف راست در بالا فشرده شد و بقول رفسنجانی "گارشکن‌ها" و "رخنه‌گران" از مجلس تصفیه شدند.

مجلسی به کشور تحمیل گردید که سران مرتجع رژیم "سید زباید" به آن بسته‌اند تاخانیتهای خود را بدون مقاومت لایه‌های بالایی دستگاه حکومتی، بصورت قانون درآورند. اما در عین حال، انتخابات تکفایایی با بالاییها را عمیقتر کرد و افتضاح انتخابات چهره واقعی رهبران حکومت را به گروه‌های تازه تر مردم و بویژه به مسلمانان مبارز که هنوز به آرمان‌های خود پایبند مانده‌اند، شناساند.

در جریان انتخابات، بلوک بندی مشخصی که در تهران ظاهر شد، دفتر تحکیم وحدت دانشجویان رهبری آن را بدست گرفته بود، در برابر تهاجم افتضاح راست حاکم مقاومت می‌کرد. این مقاومت کمابیش در بسیاری از حوزه‌های انتخاباتی سراسر کشور وجود داشت. هرچند نیروی آن بدان حد نبود که از پیروزی اختلاف راست حاکم جلوگیری کند، اما یکپارچگی آرای انتخاباتی را به زبان راست شکستی و به حذف چهره‌های افشاشده راست نظیر تولکنی، عسکراولادی، یوراستاد و امثال آنها از نمایندگی و انتخاب معدودی از کاندیداهای ناراضی منجر شد. در این جریان، شورای نگهبان علناً و بی پرده بسود راست مداخله کرد. این مداخله، که باعث شد اکثر کاندیداهای ناراضی به مجلس راه پیدا نکنند، اما شورای نگهبان را با اعتراض گسترده در محافل حکومتی و در مجامع عمومی روبرو ساخت. این اعتراضات و فشارها در حدی بود که آیت الله خمینی بار دیگر حمایت خود را از شورای نگهبان اعلام کرد. (۶۳/۲/۲۵، خمینی) زویدادهای فوق، هم شناخت مردم را از ماهیت واقعی رهبران حکومت افزایش داد، و هم تضادهای درون بلوک حاکم را حادث کرد. چراکه در کمتر از یک ماه، برای بار دوم رهبری رژیم مجبور شد در قبال افشاکری گروهی از نیروهای درون حکومت علیه مرتجعین شورای نگهبان موضعگیری کند و بر حمایت خود تأکید مجدد نماید (خمینی، ۹ خرداد ۶۳).

انتخابات صلاحیت رهبری را برای شمارتازه تری از پیروان او زیر سؤال برد. افتضاح انتخابات در حدی بود که زعمای قوم دانشنامه توصیه می‌کنند که ناراضیان درون حکومت اجفافات دوره انتخابات را فراموش کنند و به طرفداران خود بگویند که "مسائل دوره انتخابات و رای گیری را کش ندهند به آینه" و "بااعت دعوا در جامعه نشوند" (رفسنجانی، ۶ خرداد ۶۳).

از سوی رژیم، اهل منبر تهدید می‌شوند که یک کلمه هم راجع به انتخابات نگویند، در غیراین صورت "اسلام از آنها مواخیه خواهد کرد." بقیه در صفحه ۳

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می‌خواهند

بقیه در صفحه ۷

گسترش جنگ به ...

بصیحه از صفحه اول به اصطلاح تصریح کرد که: "ما اجازه نخواهیم داد تنگه هرمز برای یک لحظه مسدود بماند". همان زمان یعنی در اسفندماه گذشته سخنگوی دولت آمریکا گفت: "حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار سرباز در منطقه رفت و آمدند". اخیراً در هجدهم خردادماه نیز وزارت دفاع آمریکا حضور رزمناوهای جدیدی را در خلیج فارس تایید و اذعان کرد: "وظیفه این رزمناوها دفع خطر از کشتیهای آمریکایی است".

امپریالیسم آمریکا به موازات این تدارکات به تلاش وسیعی برای همدستان کردن کامل متحدین ناتوی خود در ماجراجویی خلیج فارس مشغول است. مهمترین اقدام آمریکا در هفته‌های اخیر در جریان گردهمایی سران هفت کشور صنعتی غرب در لندن صورت گرفته است. آمریکا از ایسین گردهمایی برای وارد آوردن فشار هرچه بیشتر بر متحدین خود برای شرکت آنها در اجراء برنامه‌های ماجراجویانه و تجاوزکارانه خود در خلیج فارس بهره گرفته است. برابر گزارشهای موجود در حاشیه کنفرانس آمریکا، انگلیس و فرانسه موافقت کرده اند که در "شرایط اضطراری" بطور مشترک در خلیج فارس دست به اقدام بزنند. برخی از متحدین آمریکا، خصوصاً کشورهای مثل ژاپن که بخش اعظم نفت خود را از خلیج فارس تأمین می‌کنند، نسبت به نقشه‌های آمریکا بیش از پیش ابراز نگرانی می‌کنند. اما آمریکا می‌کوشد تا بر نگرانی این متحدین غلبه کند. قدم به قدم آنها را گرداب نقشه‌های خود بکشد. در آستانه برگزاری کنفرانس سران هفت کشور امپریالیستی در لندن، ریگان به "ناکاسونه" نخست وزیر ژاپن "اطمینان" داد که در صورت گسترش جنگ به سراسر خلیج فارس، آمریکا با استفاده از منابع خود کمبود نفت در بازار جهانی را جبران می‌کند. چنین گفتگوهایی در عین حال نشان می‌دهد که سران آمریکا مشغول تنظیم و تدقیق جزئیات نقشه‌های تجاوزکارانه خود هستند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با انتشار اعلامیه‌ای در تاریخ بیست و هشتم اسفندماه قریب الوقوع بودن رویدادهای کنونی خلیج فارس را پیش‌بینی کرده و نسبت به تشدید خطر منطقه‌ای شدن جنگ هشدار داده است. در اعلامیه کمیته مرکزی گفته شد: "جنگی که حکومت ایران بر خلاف مصالح میهن ما ادامه می‌دهد، آستانه فاجعه‌های بازم بیشتر است. امپریالیسم آمریکا می‌خواهد دامنه جنگ به سراسر خلیج فارس کشیده شود و جمهوری اسلامی با سیاست جنگ طلبانه خود در راستای خواست آمریکا عمل می‌کند. بحران تنگه هرمز که حاصل همین توطئه‌هاست به کانون خطری بزرگ برای امنیت منطقه و استقلال کشور ما بدل شده است. اکنون امپریالیسم آمریکا با همدستی انگلیس و همکاری دیگر کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی آماده اجرای یک توطئه بسیار خطرناک در این منطقه است ..."

مخالفت جنون آمیز رهبری جمهوری اسلامی با صلح و تلاشهای آن برای ادامه جنگ به هر قیمت و اقدامات متقابل رژیم عراق برای کشتادن جنگ در خلیج فارس و تبدیل آن به "جنگ عرب و فارس" در این مدت سیر تصاعدی پیمود. آمریکا، انگلیس، فرانسه و همدستان آنها در طول جنگ کوشیدند از طریق رساندن اسلحه به طرفین جنگ و حفظ نسبی تعادل تسلیحاتی آنها وضعیت را چنان نگه دارند که هر یک نتوانند جنگ را در ابعاد بازم ویران کننده تری ادامه دهند و باور کنند که با دستیابی به این یا آن سلاح می‌توانند نتیجه را به "سود" خود تمام کنند. امپریالیست‌ها در حالی که نسبت به "خطر منطقه‌ای شدن جنگ" موزورانه ابراز نگرانی می‌کردند، در مجیز نگه داشتن طرفین مخاصمه به خلیج فارس، کوتاهی نکردند. در شدن جنگ به خلیج فارس، امپریالیسم فرانسه فروش هواپیماهای "سوپر اتاندراد" را به عراق آغاز کرد. این هواپیماها که قادرند از فاصله دور با موشک کشتیها را هدفگیری کنند، درست از زمره همان جنگ افزارهایی هستند که اگر امپریالیست‌ها مخالف گسترش جنگ به خلیج فارس بودند، میبایست قطعا از فروش آنها به عراق خودداری می‌کردند. جمهوری اسلامی نیز بی بهره نماند. آمریکا از طریق واسطه‌های "خوشنام" و "با بی نام" و نشان خود کماکان بدگی فائوم‌ها را در اختیار آن‌ها گذارد. همچنین از سوی برخی رژیم‌های وابسته به آمریکا مثل برزیل موافقت‌گردید که کشتیهای جدیدی که به ایران فروخته شود، رژیم صدام پس از موافقت فرانسه به فروش "سوپر اتاندراد" هایتزیدهای خود در مورد حمله به هدفهای جنگی در خلیج فارس افزود و اعلام کرد که در صورت ادامه جنگ از سوی جمهوری اسلامی با گسترش آن به خلیج فارس، جلوی صدور نفت ایران را خواهد گرفت. در مقابل این تهدیدها، در مهرماه سال گذشته، جمهوری اسلامی اعلام کرد که اگر جلوی صدور نفت ایران گرفته شود، تنگه هرمز را خواهد بست و مانع صدور نفت همه کشورهای منطقه خواهد شد.

دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم برای تحریک و ترغیب جمهوری اسلامی به این ماجراجویی و فراهم کردن زمینه برای بهره‌برداری از آن دست به کار شدند. بلندگوهای امپریالیست‌ها در همین راستا موزورانه کوشیدند و اوستوسازند که جمهوری اسلامی به شایسته قادر است تنگه هرمز را کاملاً مسدود کند. کار بجایی رسید که سران رژیم سفیخانه مدعی شدند با مستقر کردن توپخانه در کرانه تنگه هرمز در تنگه را قفل می‌کنند و کلید آن را در جیب خود می‌گذارند! بدین گونه، صحنه به "دلقخواه" در آمریکا آراسته شد و شولتز اعلام کرد: "آمریکا متعهد است که امنیت تنگه هرمز را حفظ کند". و همزمان ناوگان نیروهای ضربتی آمریکا روانه خلیج فارس شد.

جمهوری اسلامی تهدیدهای امپریالیسم علیه استقلال کشور ما و امنیت کل منطقه را بازمها ماجراجویی‌ها و دلخواه امپریالیسم پاسخ داد. در پی ناکام ماندن عملیات جنگی موسوم به "الفجر" در اسفندماه سال گذشته عملیات "خبر" را برای انداختن که خونین‌ترین نبرد در طول جنگ بوده است و دهها هزار نفر بیگناه را قربانی کرد. از سوی دیگر رژیم عراق به تدارک حمله علیه کشتی‌های نفتی و تأسیسات ایران در خلیج فارس مشغول شد و "بحران تنگه هرمز" در ابعاد تازه‌ای رو به اوج نهاد. آمریکا بلافاصله به ماهگیری در این آب‌خون آلود مشغول شد. دولت ریگان به این بهانه که "امنیت خلیج فارس به خطر افتاده" و درگیری نظامی به آبهای خلیج فارس و کشورهای مجاور آن کشیده می‌شود، نیروهای خود را در خلیج فارس به حالت آماده‌باش درآورد، در نیمه اسفندماه طی اعلامیه‌ای خطاب به کلیه کشورهای منطقه برای ناوگان خود حرم تعیین کرد و رسماً اعلام نمود هواپیماهایی که بر فراز خلیج فارس و دریای عمان، در ارتفاع کمتر از دوهزار پانزده پرواز می‌کنند، حق پرواز بر فراز ناوهای آمریکایی را تا شعاع ۵ مایلی ندارند. بدین ترتیب آمریکا رسماً مدعی "حاکمیت" بر بخشهای نامشخصی از آبهای خلیج فارس و دریای عمان شد. اتحاد شوروی طی اظهاریه‌ای که سرگزاری تسلی منتشر ساخت بیدرتگی این اقدامات زورگویانه و تجاوزکارانه آمریکا را محکوم کرد و به دولت ریگان در این باره هشدار داد. اتحاد شوروی، الجزایر، بوکارتو و بسیاری دیگر از کشورهای سوسیالیستی و فدا امپریالیست با توجه به وخامت اوضاع به اشکال مختلف جمهوری اسلامی و رژیم عراق را از تداوم جنگ و دست یارییدن به اقدامات تحریک‌کننده بر حذر داشتند. این کشورها کوشیدند تا پیامدهای تداوم جنگ را به جمهوری اسلامی گوشزد کنند و آن را از سیاست تشدید مخاصمات باز دارند. اما جمهوری اسلامی همچنان سیاست ماجراجویانه و فتنه‌انگیز خود را ادامه داده و به استقبال حوادث فاجعه‌آمیز کنونی شتافته است.

اظهارات مسئولان رژیم عراق و جمهوری اسلامی پیرامون نقشه‌های آمریکا برای تداوم و گسترش جنگ چنان است که کویی هر دو رژیم با شناختن توطئه‌های آمریکا قصد دارند از افزایش مخاصمات و وخامت اوضاع و کشتادن درگیری به آبهای خلیج خودداری کنند. اما در عمل رژیم جمهوری اسلامی با بافتاری در ادامه جنگ، جاده را برای اجرای توطئه‌های آمریکا صاف می‌سازد و مطابق نقشه‌های آن عمل می‌کند و اقدامات رژیم عراق برای گستردن جنگ در خلیج و کشتادن کشورهای عرب به عرصه کارزار نیز، علیرغم آمادگی وی برای برقراری آتش‌بس و صلح، مطابق خواست آمریکا برای منطقه‌ای شدن جنگ است. در اواخر اردیبهشت ماه صدام حسین طی مصاحبه‌ای با روزنامه واشنگتن پست گفت: "آمریکا از جنگ ایران و عراق جهت تحمیل نظرات خود و منافع اسرائیل استفاده می‌کند. آمریکا خواستار ادامه جنگ ایران و عراق است تا به هدفهای خود در منطقه خلیج فارس دست یابد. آمریکا در سالهای نخست جنگ در تداوم آن نقش داشت و پس از آن نیز همین سیاست را پیش برد".

ما همواره نقش آمریکا را در آغاز جنگی که توسط رژیم عراق و ادامه آن توسط جمهوری اسلامی اثفا کرده‌ایم و امروز هم می‌گوئیم که حمله به کشتی‌های نفت‌کش در خلیج فارس یک توطئه آمریکایی است. در اواخر اردیبهشت ماه، در رابطه با رویدادهای خلیج فارس وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: "منطقه خلیج فارس امروز شاهد فعل و انفعالات مشکوک امپریالیستی است که هدف آن جلوگیری از استقرار ثبات و امنیت در خلیج فارس و گسترش تشنج در منطقه است". پاسخ رهبران جمهوری اسلامی به این "فعل و انفعالات مشکوک امپریالیستی" که بر بستر ادامه جنگ تکوین می‌یابند چیست؟ آنها بازم بیشتر بر ادامه این جنگ ویرانگر اصرار می‌ورزند و

هر بار به ماجراجویی‌های تازه و عملیات تلافی‌جویانه خطرناک‌تری روی می‌آورند. رهبران جمهوری اسلامی ایران می‌کوشند عملیات تلافی‌جویانه را نزد مردم ایران کاملاً برحق و ناگزیر جلوه دهند. آنها با منطق "تلافی" شهرهای بصره، مندلی و خانقین را به توپ بستند و با کشتار مردم بیگناه عراق مشغول شدند و با این منطق شهید کردند که از سلاح شیمیایی استفاده خواهند کرد و با همین منطق به آتش افروزی در خلیج فارس مشغول شدند. حتی در راستای نزدیکی با بلوک امپریالیستی و معامله‌های کلان اسلحه با عوامل آمریکا نیز، این منطق مورد استفاده آنها قرار گرفته است.

دست یارییدن مداوم به عملیات تلافی‌جویانه اساساً ناشی از سیاست ضد مردمی تداوم جنگ از سوی مرتجعین حاکم و از تبعات آنست. آنها با ادامه جنگ و این اقدامات فاجعه‌آفرین، علیه مصالح مردم و میهن ما، علیه امنیت منطقه و بسود آمریکا عمل می‌کنند. رهبری جمهوری اسلامی مسئول تداوم این جنگ است و این بالاترین جرم و خیانت علیه ملت ماست.

وظیفه انقلابیون و میهن پرستان میهن مادر برابر تشدید تهدیدهای امپریالیسم آمریکا علیه استقلال و آزادی کشور ما و علیه امنیت منطقه چیست؟ جمهوری اسلامی در حالیکه راه نزدیکی به امپریالیست‌ها را می‌پیماید، هرکجا که بتواند می‌کوشد جنگ بیخردانه و ماجراجویانه خود را "دفاع از استقلال" و تمامیت ارضی کشور در برابر استکبار جهانی" قلمداد کند، ادامه جنگ را ترم راه مقابله" با توطئه‌های تجاوزکارانه وانمود سازد و از احساسات فدا امپریالیستی مردم برای کشتادن آنها به جبهه‌های جنگ و بکار گرفتن نیروی آنان بسود اهداف ضد مردمی خویش بهره گیرد. رهبران جمهوری اسلامی در شرایط کنونی موزورانه تلاش می‌کنند که وخامت اوضاع در خلیج فارس را به وسیله ای برای "سیج امت مسلمانان برای جهاد علیه کفر جهانی" تبدیل کنند و کوره جنگ را که توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم در آن پخته و برورده می‌شود، گرم و گرم‌تر نگاه دارند. آنها زیر پرچم "جهاد علیه توطئه‌های استکبار" به زمینه‌سازی بیشتر برای توطئه‌های امپریالیستی مشغولند.

نیروهای انقلابی همواره و در هر شرایطی وظیفه مقدم و مقدس خود می‌دانند که با همه توان در راه آگاه سازی و بسیج هرچه بیشتر مردم برای دفاع از استقلال و آزادی کشور خودکوشند. نیروهای انقلابی آگاه در هیچ شرایطی در بسیج مردم برای مقابله با توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم شکاری خود را از دست نمی‌دهند. نیروهای انقلابی و میهن پرست، میلیونی‌ها توده سراسر کشور، به خاطر آرمانهای بنیادین خویش، مسالطوره که با راه نشان داده‌اند، آماده‌اند تا توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم و ارتجاع را در هر شرایطی درهم بکنند و در راه استقلال و آزادی میهن خویش اینا رزگار بزنند. سقوالی که پیش می‌آید اینست که در راستای انجام وظایف فوق چه وظیفه و اقدام مشخص همین امروز بر عهده ماست؟ همانطور که اشاره شد، جمهوری اسلامی قریبکارانه ادامه جنگ و تقویت جبهه‌ها را راه مقابله با توطئه‌های تجاوزکارانه "استکبار جهانی" معرفی می‌کند. اما نیروهای انقلابی این اقدامات را علیه استقلال کشور و آرانها - آماجهای مشخص مردم میدانند. هنگامی که توطئه‌های امپریالیستی بر بستر تداوم این جنگ ویرانگر و دشمن شادکن تکوین می‌یابد، دفاع از استقلال و آزادی کشور در شمار تضعیف جبهه‌های جنگ مدخله‌جویانه، قطع فوری جنگ و برقراری صلح تبلور می‌یابد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر همین پایه در "پیام به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه" اعلام کرده است: "جنگ اکنون در عمل وسیله ویرانی ایران و سازش و تسلیم به آمریکا است. وظیفه همه ماست که با تمام نیرو به هر طریق که می‌توانیم برای قطع جنگ و برقراری صلح میان دو کشور تلاش کنیم. این مهمترین وظیفه ملی و میهن پرستانه شما کارگران و همه مردم ایران است. بسته جبهه‌ها کمک نکنید. از رفتن به جبهه خودداری کنید. از هر امکانی برای تبلیغ علیه ادامه جنگ استفاده کنید. امسال را به سال اعتراض وسیع توده‌های علیه ادامه جنگ تبدیل کنیم. بکوشیم صلح را به میهنمان بازگردانیم. آری، صلح مسئله‌املاست."

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از توافق روی قطع حمله به مناطق مسکونی استقبال میکنیم این توافق باید به آتش بس کامل و صلح بین دو کشور تبدیل شود

تلف شدن جان هزاران جوان و نوجوان بیگناه ایرانی تمام خواهد شد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با نفرت و انزجار هرگونه تدارک برای انجام حملات تازه را محکوم می کند و بنام خلق فهرا ن ایران از دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهد دست از اغفال رذیلانه کودکان و قربانی کردن آنها در جبهه های جنگ بردارد و به تدارک نیرو برای ارتکاب جنایات تازه تر خاتمه دهد.

از پدران و مادران موطن می خواهیم نگذارند مرتجعین حاکم چکرگوشه هایشان را در باتلاقی های جنوب سر به نیست کنند. مردم آجا زه ندهند حکومت برای این جنگ خانمان سوز عزیزانشان را راهی جبهه ها کند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از دولتین ایران و عراق می خواهد که در سراسر جبهه های جنگ فوراً آتش بس اعلام شود. تمام اختلافات دو کشور باید بواسطه مراجع بین المللی و از طریق مذاکرات صلح حل و فصل شود.

ما امتناع دولت ایران از پذیرش آتش بس و عدم شرکت آن در مذاکرات صلح را بشدت محکوم می کنیم و اعتقاد واضح داریم، هر روز که ایران در پذیرش این پیشنهاد تاخیر کند، همانطور که تا امروز ثابت شده است، منافع ملی ما بیشتر بر باد خواهد رفت و موقع ایران برای حیل شرافتمندانه مسئله جنگ بازم بیشتر تضعیف می شود. اکنون باید توافق روی عدم بمباران شهرها و مناطق مسکونی، به توافق روی عدم حمله به کشتی ها، توافق روی عدم شلیک روی مواضع طرفین و بمرقراری آتش بس کامل کسترش یابد.

از خلق فهرا ن ایران، از تمام کشورها و نیروهای ملحد و مست و از تمام مراجع بین المللی می خواهیم که برای وادار کردن حکومت ایران به پذیرش این توافق های ملجوجیانه، مبارزه و تلاش خود را هر چه بیشتر کسترش دهند.

زنده باد صلح

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۴ خردادماه ۱۳۴۲

ملی ماست. جمهوری اسلامی با ادامه بیهوده جنگ هر روز زیانهای جانی و مادی بیشتری را نصیب کشور ما می کند. ادامه، جنگ نه تنها موقعیت ایران را برای تامین حقوق و منافع خود بضمایب کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته است هر روز بیشتر تضعیف می کند، بلکه قهراً خطر کسترش جنگ به خلیج فارس و منطقه ای شدن آن را افزایش می دهد. در لحظه کنونی مهمترین خطری که اصرار بی معنی جمهوری اسلامی به ادامه جنگ متوجه میهن ما کرده است، خطر کسترش آن به خلیج فارس، منطقه ای شدن جنگ و مداخله هرچه گسترده تر امپریالیسم آمریکا است.

دو سال پیش زمانی که نیروهای متجاوز عراق از خاک کشور ما رانده شده و خرمشهر فتح شده بود، سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران درباره خطر فرسایشی شدن جنگ هشدار داده و ادامه جنگ را سیاستی به زیان منافع خلق ایران ارزیابی کردند. در طول این مدت، ما بارها و بارها تاکید کرده ایم هر روز که جنگ ادامه پیدا کند موضع کشور ما بیشتر تضعیف می شود. دو سال پیش در چنین روزهایی موضع کشور ما برای رسیدن به صلح کاملاً قوی و کاملاً برحق بود. اما هر روز که سران مرتجع و نادان جمهوری اسلامی جنگ را ادامه دادند، جز زیان و مصیبت و فاجعه بیشتر هیچ چیزی نصیب مردم ما نکردند. این دو سال، این سالهای سیاه، نشان داد که سیاست و اعمال رهبری جمهوری اسلامی ایران عمیقاً بیخردانه، ضد ملی و جنایتکارانه بوده است.

مردم ایران نخواهند بخشید بر حکام مرتجع و نادانی که دو سال پیش بهترین فرصت ها را برای خاتمه دادن به جنگ از دست دادند و این همه خسارت و ویرانی و گورستان برای ما برجا گذاشتند و هنوز هم دست بردار نیستند. مطابق شواهد موجود دولت جمهوری اسلامی ایران مشغول بسیج جنون آمیز نیرو برای اعزام به جبهه های مرگ است. سیاه و سیخ فشار خود را روی مدارس برای بدام انداختن هرچه بیشتر کودکان و نوجوانان برای اعزام به جبهه ها و افزایش داده اند. دولت ایران برای حملات فاجعه انگیز تازه تری آماده می شود. این عملیات اگر انجام شود، بار دیگر ضربه عظیم تری به منابع ملی کشور ما وارد خواهد آورد. ضربهای که همچون گذشته، و حتی بیش از گذشته، به قیمت

در پاسخ به درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد، آقای خاویر پرز دو کویسار، دولتهای ایران و عراق موافقت و تعهد کرده اند که از ساعت ۱۲ شب به وقت گرینویچ روز سه شنبه ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ برابر ۲۲ خردادماه ۱۳۴۲ به بمباران مناطق مسکونی، شهرها و هدفهای غیر نظامی خاتمه دهند و بدنیاال این تعهد، بمباران مناطق مسکونی، که از بیرحمانه ترین جنایات رژیمهای دو کشور بوده است، قطع گردید و اندکی اذدر و رنج و بیم و دلهره، مردم دو کشور، بخصوص مردم بلاکشیده خوزستان کاست.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که همواره با خشم و نفرت این جنایات هر دو طرف را محکوم کرده است، اکنون از این اقدام ناپسند دبیرکل سازمان ملل متحد قدرتی کرده، بر لزوم اجرای بی خدشه، آن تاکید میکند و امیدوار است این موافقت سر آغاز راهی گردد که به این جنگ بی معنی و فاجعه آمیز خاتمه دهد. ادامه جنگ ایران و عراق، خطر کسترش و منطقه ای شدن آن را بدنیاال دارد. این خطر هر روز تشدید می شود. امپریالیسم آمریکا متحدانش ر کمین نشسته اند که با استفاده از تشنج موجود در منطقه خلیج فارس که ناشی از ادامه جنگ است، به مداخله مستقیم نظامی و حتی اشغال خاک کشورهای منطقه مبادرت ورزند. هم اکنون اشویه عظیم نیروهای مسلح و ناوگان ارتش تجاوزگر آمریکا، خلیج فارس و دریای عمان را جولانگاه خود ساخته اند. این کار به بهانه حفظ امنیت عبور و مرور کشتی ها انجام گرفته است. امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان خلق ما در ادامه و کسترش جنگ ذنیفند. جمله به کشتی ها در خلیج فارس و کسترش دامنه جنگ به این منطقه جزئی از اهداف امپریالیسم آمریکا است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هرگونه حمله به کشتی ها را محکوم می کند و خواهان آنست که طرفین محاصره توافق کنند که بدون هرگونه قید و شرط در منطقه خلیج فارس نیز، بلادرنگ آتش بس اعلام شود. دولت جمهوری اسلامی ایران همواره لجاجت اعلام کرده است که خواهان ادامه جنگ است و بهیچ وجه حاضر به پذیرش آتش بس در مرزهای توافق شده دو کشور که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تعیین شده، نیست. دولت جمهوری اسلامی مخالف صلح با عراق است این مخالفت عمیقاً به زیان منافع

آیت الله خمینی: حکم، حکم شورای نگهبان است

بقیه از صفحه اول
خمینی، ۹ خرداد ۶۳) این اظهارات تهدید آمیز مسولان نشان می دهد که انتخابات ناراضی را تا چه اندازه کسترش داده و فشرده گی صفوف راست در بالا با پرداخت چه قیمتی در پایین تامین شده است.

با انتخابات، مهار مجلس دوم به دست نیروهای راست افتاد. اما مجلس تازه هنوز هم با ایده آل شورای نگهبان فاصله دارد. هنوز نقشه سران رژیم در مورد مجلس به پایان نرسیده است. اکنون نقشه حکومت یا گام بندی رهبری جمهوری اسلامی این است که همین مجلس راست را بازم به راست بکشد و آن را به آلت دست و مطیع بلااراده شورای نگهبان تبدیل کند. حالاً نوبت آنست که جلوی هر نوع اعتراض احتمالی نمایندگان معدهدی که برخلاف میل رژیم به مجلس راه یافته اند از همان آغاز گرفته شود. هدف پیام آیت الله خمینی به مناسبت افتتاح دوره دوم مجلس هم همین است. این پیام راهی راکه مجلس باید طی کند در برابر آن قرار می دهد. در بند ۳ این پیام درباره اصلاحات اقتصادی و اجتماعی آمده است:

"کسی گمان نکند که به نفع محرومین و خدمت به آنان اگر غیر مشروع هم باشد مانعی ندارد. که این یک انحراف و خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی است".
معنای این گفته اینست که اگر نماینده ای یا نمایندگان پیشنهادی دادند که از مشکلات بیشتر مردم گرهی باز کنند، "وظیفه" مجلس است که با این "انحراف" و با این "خیانت" مبارزه کند. در تمام دوره اول همه تلاش ارتجاع متوجه آن بود که نگذارد قوانینی به تصویب رسد که اجرای آن بسود مردم و بزبان راست باشد. حالاً مطابق این پیام مجلس وظیفه یافته است فقط قوانینی را به تصویب رساند که منافع ارتجاع و بویژه تجار بزرگ را تامین کند.

بند ۴ پیام برای نمایندگان خط و نشان می کشد و آشکارا آنها را تهدید می کند. این افراد تهدید می شوند که دهان خود را ببندند و در امور "فصولی" نکنند. پیام به نیروهای راست خط می دهد که اگر کسی با راه اصلاح از حد شرعی خارج گذاشت، "سبی از منکر" را درباره آن فرد فراموش نکنند.

نهی از منکر نیروی راست به چه معناست؟ معنای سیاسی این اصطلاح مذهبی در قاموس رهبران رژیم آنست که: خفه کردن صدای راضیان مجلس قبل از هر کس بعهده نمایندگان "مستجین" شده، مجلس است. همان وظیفه ای که در سال گذشته رهبری رژیم انجام آن را از نمایندگان مجلس اول درخواست می کرد. آن زمان نمایندگان که از نظر رهبری جمهوری اسلامی "نامطلوب" بودند، مثلاً "فساد" معرفی شده و طرد آنها را از سایر نمایندگان می خواستند. اگر این تهدید نیز کارساز نشد، پیام "امام" اقدامات کارساز تری را پیش بینی کرده است. پیام ابتاده رسوع ابراز مخالفت احتمالی را "اشاعه فحشا" می نامد، تا راه را برای اشاعه فحشا و فساد "مفسدان" فی الارض باز کند. پیام صریحاً اشعار می دارد اگر نماینده ای بخود جرات دهد، در نطق قبل از دستور یا در مباحثات جاری، و یا در استفاده از حق نمایندگی، در دادن تذکر و طرح سؤال و استیضاح وزرا برای ارتجاع "مسئله" درست کند و باراً از حد شرعی فراتر نهد، محاکمه و به "حد" شرعی محکوم خواهد شد. مطابق قانون اساسی که به تصویب همین آقایان رسیده است نمایندگان مجلس را نمی توان "به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توتیف کرد". (امل هشتاد و ششم) بند ۴ پیام نقضی آشکار و خشن این اصل بدیهی و شناخته شده است. پیام به قوه قضاییه وظیفه می دهد که این گونه افراد را محاکمه کند. پیام آیت الله خمینی برای محکم کاری بیشتر به وزرا و مسئولان اجازه می دهد علیه نمایندگان که ناخواسته انتخاب

شده اند اقامه دعوی کنند. در رژیمی که بیقانونی بیداد می کند و سران آن حتی قانون اساسی مبوب خود را زیر پا می گذارند، انتظار طبیعی آنست که سخن حق هر نماینده اتهام تلقی شود و خود او بخاطر حق گوئی و یا غرض ورزی به کرسی اتهام نشاند و محاکمه شود. زمانی که توطئه خائسانه علیه حزب توده ایران در شرف تکوین بود، ما اعلام کردیم، پس از حمله ارتجاع به حزب توده ایران هدف بعدی مسلمانان مبارزان هستند که راه سازش و خیانت در پیش نمی گیرند و ارتجاع اکنون، درهم شکستن مقاومت آنها را هدف قرار داده است. پیام هفتم خرداد آیت الله خمینی به مجلس و مجتبه ای شان در دیدار با مجلسیان نشان می دهد که نیروهای راست چگونه و با کدام حربه ها مواضع خود را در راستگاه حکومتی جمهوری اسلامی محکم می کنند. مواضع اخیر آیت الله خمینی، گام سوم رهبری رژیم است که برای حاکمیت بلامنافع ارتجاع در مجلس دوم به جلو برمی دارد. آخرین اقدام در این عرصه، اطلاعیه شورایی عالی قضایی (۸ خرداد ۶۳) است که طی آن اعلام می شود: دستگاه قضایی جمهوری اسلامی آماده است تا نمایندگان "خاطی" را خارج از نوبت محاکمه کند و ابزار قضایی لازم برای اعمال دیکتاتوری سیاه ارتجاع علیه این گروه تازه از نیروهای درون حکومت را تیز تدارک دیده است.

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید

جنبش ملی خلق کرد در آستانه ششمین سال تهاجم حکومت

تیرماه امسال یورش خوبین و تبهکارانه جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش ملی خلق کرد وارد ششمین سال خود می شود. این یورش که به فرمان آیت الله خمینی و با مسئولیت مستقیم وی آغاز شد، سرچشمه ویرانی ها و خونریزیهایی بوده که کردستان هرگز مانند آن را به خود ندیده است. جمهوری اسلامی دشمنی و کینه طبقاتی، ملی و مذهبی خود را علیه مردم زحمتکش و مبارز کردستان بپیم آمیخته و تا توانسته چرخ تانکهای آمریکایی و انگلیسی را بر سینه انقلابیون و رزمندگان میهن ما گذر داده است. سنج و پائنه و مهاباد و دیگر شهرها و روستاهای کردستان با همان جنگ آزاری که حکومت علیه نیروهای عراق بکار می برد، آماج حمله قرار گرفته، ویران شده و غرق خون گشته اند. مردم زحمتکش و مبارز کردستان که با همه شور و امید خویش پیروزی انقلاب را جشن گرفتند، خیلی زود خود را با دشمنی روبرو دیدند که بر همه حقوق ملی و مردمی آنها خط سیاه کشیده و با همه امکانات برای محو آرمانها و آرزوهای آنان می کوشد. دشمنی که در رد خواستهای ملی خلق کرد می گوید "کردستان همان یزد است" و در هجوم برای سرکوب جبهه مبارزه مردمی در کردستان، آن را یکی از جبهه های جنگ با نیروهای رژیم عراق تلقی می کند.

اکنون در آستانه ششمین سال تهاجم حکومت علیه جنبش ملی خلق کرد، همه رویدادهای گواهی می دهند که جمهوری اسلامی نه تنها برای تشدید این جنگ خواهد کوشید، بلکه برای "حل مسئله کردها" نقشه همکاری مستقیم با ارتجاعی تیرین نیروها و حکومتها را در سر می پروراند. خاموش کسودین شعله های مبارزه مردمی در کردستان برای حکومت، یک مسئله فرعی و محلی نیست، بعکس یکی از عمده تلاشی آن برای سرکوب مبارزات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم کشور ما و "تحکیم" پایه های ارتجاع است.

در مقابل همه این تلاشی ارتجاعی، بیکار نیروهای انقلابی پوتری - خواه کشور ما برای حفظ و گسترش جبهه مبارزه مردمی در کردستان همچنان گسترده تر می شود. جبهه مبارزه مردمی در کردستان امروز از حمایت نیروهای ترقیخواه بازم بیشتر برخوردار است. نیروهای مردمی همپوینی مبارزه مردم کردستان را با روند عمومی مبارزه استقلال طلبانه و آزادی خواهانه در کشور ما بیش از پیش در می یابند و در پشتیبانی از آن راضی تر می شوند. سازمان ما با درک عمیق اهمیت این مسئله می کوشد تا همه نیروهای ترقیخواه به شناختی واحد و واقع بینانه از وضعیت جنبش ملی خلق کرد دست یابند و به برنامه و سیاست واحدی برای حفظ و گسترش کانونهای مبارزه مردمی مجهز گردند.

وضعیت عمومی جنبش ملی خلق کرد در برابر حاکمیت جمهوری اسلامی و در رابطه با جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه کشور ما، روند گسترش نقش و تأثیر این جبهه مبارزه مردمی را روشن می سازد. رهبری جمهوری اسلامی زامین تهاجم علیه جنبش ملی خلق کرد را آغاز کرد که هنوز در برابر آمریکا ایستاده بوده و پشتیبانی توده های میلیونی را داشت. آن زمان کشور در تپو تاب پیروزی انقلاب و مبارزه حاد علیه توطئه های سلطنت خواهان و آمریکا بود و همه چیز تحت الشعاع این مسائل قرار داشت. میلیونها مردمی که در سراسر کشور از رهبری جمهوری اسلامی پشتیبانی می کردند، در آن شرایط مقابله جنبش ملی خلق کرد با جمهوری اسلامی را نمی پذیرفتند و حتی آن را مقابله با منافع و خواستهای خویش ارزیابی می کردند. گسترش شکل قهرآمیز وحاد رویارویی در نتیجه تهاجم حکومت به کردستان در سمت تشدید این داوری تأثیر گذاشت.

این وضعیت در راستای چرخش رهبری جمهوری اسلامی بر است تدریجاً گروشی پذیرفت و در همین مسیر همچنان تکوین می یابد. حکام مرتجع، هموعده - های گذشته جمهوری اسلامی را زیر پا گذاشتند، به حفظ و تحکیم مناسبات اقتصادی - اجتماعی موجود که از رژیم گذشته به ارث رسیده بود، مشغول گردیدند. تلاش برای جلب اعتماد و دوستی امپریالیسم آمریکا و مرتجعین منطقه را دنبال می کنند و همه امکانات خود را برای سرکوب جنبش انقلابی و احزاب و سازمانهای مردمی بکار می گیرند.

در چنین شرایطی دیگر رهبری جمهوری اسلامی نمی تواند با شعار مرگ بر آمریکا به جنگ جنبش ملی خلق کرد برود و این جنبش را سد راه تحقق خواستهای مردم معرفی کند. جمهوری اسلامی نمی تواند از سیخ زده امپریالیستی توده ها علیه توده های که در کردستان مبارزه می کنند به دلخواه بپرومند شود. البته جمهوری اسلامی بازم می کوشد برای گسرد آوردن نیرو پاره ای از شعارهای گذشته را تکرار کند، اما مردم دیگری این نیرنگها باور ندارند. چرخش ارتجاعی رهبری جمهوری اسلامی در ذهن توده ها بازتاب یافته و آنها را نسبت به مقاصد مرتجعین حاکم آگاه تر می سازد. مقابله جمهوری اسلامی با خواستها و نیازها و مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور و حمایت آن از تسلط بیدادگانه کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران با شتابی فزاینده بی اعتمادی، مخالفت و اعتراض توده ها را دامن می زند. مردم به مبارزه علیه حکومت روی می آورند. در شرایط کنونی روند آشکار شدن اعتراضات، بویژه در رابطه با حادثترین مسائل کشور، مانند جنگ، کاهش بیوسته سطح زندگی زحمتکشان، گرانی و مسکن رو به گسترش دارد. توده های که اعتماد خودی رهبری جمهوری اسلامی را از دست می دهند و به مخالفت و مبارزه با آن روی می آورند، طبیعتاً نسبت به احزاب و سازمانهای مخالف حکومت و نسبت به کانونهای مبارزه علیه حکومت دیدگاه و گرایش دیگری می یابند. این توده ها همانطور که در نتیجه چرخش رهبری جمهوری اسلامی دیدگاه خود را نسبت به آن تغییر می دهند، نسبت به جنبش ملی خلق کرد هم داوری دیگری را آغاز می کنند. آنان تدریجاً جنبش ملی خلق کرد را در راستای گرایش و سمت گیری سیاسی خویش می یابند و منافع خود را در بیداری و گسترش آن می بینند. گسترش حمایت سازمانها و گروههای ترقیخواه از جنبش ملی خلق کرد، خود جلوه بارزی از روند تحکیم موقعیت آن در جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم میهن ماست.

ببین گونه جنبش ملی خلق کرد در نتیجه چرخش رهبری جمهوری اسلامی به راه دفاع از کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و دوستی با امپریالیسم، و گسترش روند بی اعتمادی، مخالفت و مبارزه مردم علیه آن، نقش و موقعیت تازه ای یافته که زمینه را برای همپوینی این جنبش با جنبش سراسری مردم و گسترش حمایت توده های مخالف حکومت در آن فراهم می سازد.

وقتی از حمایتی و پیوند مبارزات ملی خلق کرد با جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه کشور یاد می کنیم، قطعاً باید بر آن خصوصیات و متمایزیهایی مبارزات خلق کرد تأکید کنیم که مویذ این همپویندی هستند و آن را امکان پذیر می سازند. با رزترین این خصوصیات همانا تلفیق خواستهای ملی خلق کرد با آماجهای عمومی جنبش انقلابی کشور ما در

یک کلیت تفکیک ناپذیر است. ما همواره تأکید کرده ایم که تحقق حقوق ملی خلقهای ساکن کشورمان در گروی پیروزی جنبش انقلابی مردم میهن ماست. هر اندیشه دیگری جز این، هم مغایر منافع زحمتکشان و هم در جهت خلاف تأمین حقوق ملی خلقهاست. اقدامات اینست که جنبش ملی خلق کرد اولاً باید به بخش تفکیک ناپذیری از کل جنبش انقلابی کشور ما رهبری شود و تکامل یابد، ثانیاً باید در پیوند هرچه ژرفتر با بیکار طبقاتی زحمتکشان قرار گیرد. برنامه ها و پیشنه های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای تأمین حقوق ملی خلق کرد بیابانگر چگونگی اجرای اصول فووند. سازمان ما برای پذیرش و کار بست این اصول توسط نیروهای ملی خلق کرد اهمیت خاصی قابل است. حزب دمکرات کردستان ایران بعنوان یک سازمان سیاسی کرد که عمده نیرو را در مبارزه باخطر تأمین حقوق ملی خلق کرد بسیج کرده است، از آغاز بنیانگذاری، همپوینی جنبش ملی خلق کرد و جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه سراسر کشور را در برنامه خود منعکس کرده است. این هم پیوندی در آخرین کنگره حزب دمکرات کردستان مورد تأکید قرار گرفته است، در تقنامه کنگره ششم این حزب که در بهمن ماه ۶۲ برگزار گردیده گفته شد: "... کنگره از رهبری جدید حزب دمکرات کردستان ایران می خواهد که در آینده بیش از پیش در جهت پیوند مبارزاتی مردم کردستان با مبارزه آزادیخواهانه همه خلقهای ایران کوشا باشد.

دسته بندیهای راست و ناسیونالیست افراطی ما هویتت در کردستان، خصوصاً اندیشه هایی را که بر همبستگی خلقهای ایران و تمامیت ارضی کشور ما تأکید دارند، بر ضد مصالح خویش دانسته و به آنها کینه می ورزند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در برنامه خود تصریح کرده است که: "امپریالیسم تمام نیروی اهریمنی خود را بکار می گیرد تا میان خلقهای ما شقاق را دامن زند و جنگ "فارس و غیر فارس" و "شیعه و سنی" بسازد. امروز، در حالیکه زمینه همپوینی عینی جنبش خلق کرد نسبتاً جنبش انقلابی سراسری فراهم می شود، جریانهای راست و ناسیونالیست افراطی کرد با شدت بیشتری تلاشی تفرقه افکنانه خود را ادامه می دهند. جمله "گومه له" اخیراً تبلیغات خود را علیه نکاتی از برنامه سازمان مجاهدین خلق و برنامه حزب دمکرات کردستان در زمینه حقوق ملی خلق کرد متمرکز کرده است، که بر همبستگی خلقها و یکپارچگی کشور ما تأکید میکند. آنها میگویند سخن گفتن از تمامیت ارضی کشور، در ست برخلاف حقوق ملی خلق کرد است و هرکس از حقوق ملی خلق کرد دفاع کند باید در راستای برنامه خود تجزیه را مورد تأکید قرار دهد. این جریانها "پورژواری فارس" را مسئله اصلی، امپریالیسم را مسئله فرعی و "حق تجزیه" را مسئله مرکزی در "برنامه" خود معرفی می کنند. فعالیت این نیروها، همانطور که در برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مشخص شده است، مبارزه در راه تأمین حقوق ملی خلق کرد را عملاً در سمت برانگیختن دشمنی بین فارس و غیر فارس منحرف می سازد.

جنبش ملی خلق کرد علاوه بر وجود نیروهای راست و ناسیونالیست افراطی محلی، در سطح کل ایوبوسیون ارتجاعی جمهوری اسلامی نیز مدافعین یافته است! امروز بویژه تفکیک این مدافعین دروغین و افتخاط و طرد آنها برای حفظ سلامت و تقویت جنبش ملی خلق کرد اهمیت جدی دارد. دسته بندیهایی از شاه پرستان و گروههای راست و لیبرال مخالف مرتجعین حاکم به خیال خود می کوشند تا مبارزات خلق کرد را وسیله دستیابی به هدفهای ارتجاعی خویش قرار دهند. در میان این دار و دسته ها علاوه بر دشمنان سرشناس خلق کرد، کسانی وجود دارند که دشمنان مستقیماً به خون مدافعین انقلابی حقوق خلقهای ایران آلوده است. سازمان ما در راستای دفاع از حقوق ملی خلق کرد وظیفه خویش را دانده که به نیروهای ملی کرد یاری رساند تا دام گسترش این نیروهای راست و ارتجاعی را خنثی سازند و آماجهای مردمی خویش را پاسدارند. مدافعین از قماش سلطنت خواهان و برخی لیبرالها و امثال رژیم صدام، خنجر به زهر آلوده در آستین دارند. آنها نسبتاً خودمختاری کردستان ایران و عراق هزار بار بیشتر دشمنند تا با جمهوری اسلامی. مدافعین دروغین خلق کرد امروز بموازات تلاش برای بهره گیری از نیروهای ملی کرد می کوشند با روشهایی بسیار حساب شده این نیروها را در گرداب مقاصد خویش غرق کنند و نابود سازند.

پیمانده تهاجم در کردستان امروز اغلب شهرها و بسیاری از روستاهای کردستان که در آغاز تهاجم حکومت عرصه فعالیت آزادانه نیروهای انقلابی و ترقیخواه بودند، زیر سلطه سرکوبگرانه قوای حکومتی قرار گرفته اند و در این مناطق عملاً بدترین نوع حکومت نظامی برخوردار است. جمهوری اسلامی نه تنها با خونریزی می کوشد تا هرگونه فعالیت سیاسی را در به اصطلاح "مناطق آزاد شده" محو سازد، بلکه با اعمال تروریستی و تحمیل تبعیضات شدید، زندگی روزمره مردم را نیز با دشواریهایی شدید مواجه ساخته است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر نیروهای ترقیخواه، برای حفظ کانونهای مبارزه مردمی و جلوگیری از تحمیل شرایط ترور و خفقان در این مناطق صدها شهید داده اند. بسیاری از رفقای قهرمان ما در سنگرهای دفاع از زحمتکشان کرد به شهادت رسیده اند. در میان نیروهای ملی کرد، حزب دمکرات کردستان متحمل ضربات ددمنشانه ای شده و صدها تن از رزمندگان پیرو این حزب که عمدتاً از تهیدستان روستا بوده اند، شهید شده اند. حکومت به قصد تحکیم پایه های قدرت خود تا آنجا که توانسته است ارگانهای اداری و فرهنگی کردستان را از نیروهای انقلابی و میهن پرست و عناصر محلی و بومی تهی کرده است. اما با همه این اقدامات، رهبری جمهوری اسلامی نه تنها به تقویت مواضع خویش موفق نشده، بلکه خلق کرد را یکپارچه تر و راسخ تر از همیشه به نبرد علیه خود برانگیخته است. مردم زحمتکش کردستان طی چندسال متوالی مبارزه بی امان، جمهوری اسلامی را از هر جهت آموخته اند و شکاف پرتندی بین آرمانهای خویش و مقاصد حکومت را بخوبی درک کرده اند. برای زحمتکشان کردستان، حمایت جمهوری اسلامی از خانها و بزرگ مالکان و باندهای ارتجاعی و سیاه و دستجات اوپاش و جاش امری شناخته شده، تجربه شده و روزمره است. آنها برای دستیابی به خواستهای طبقاتی و حقوق ملی خویش یکسره راه نبرد علیه مرتجعین حاکم را برگزیده اند.

خواستهای ملی خلق کرد و برنامه ما مبارزه در راه تأمین حقوق ملی خلقهای ساکن کشورمان، یکی از آماج های بنیادی برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است. در برنامه ما زیر عنوان "در راه رفع ستم ملی" آمده است: "میهن ما ایران، میهن باستانی اقوام و خلقهایی است که هر یک با زبان و فرهنگ و آداب و سنن و عقاید مذهبی خاص خود قرضهاست که در این سرزمین زندگی می کنند"

ببین گونه جنبش ملی خلق کرد در نتیجه چرخش رهبری جمهوری اسلامی به راه دفاع از کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و دوستی با امپریالیسم، و گسترش روند بی اعتمادی، مخالفت و مبارزه مردم علیه آن، نقش و موقعیت تازه ای یافته که زمینه را برای همپوینی این جنبش با جنبش سراسری مردم و گسترش حمایت توده های مخالف حکومت در آن فراهم می سازد.

وقتی از حمایتی و پیوند مبارزات ملی خلق کرد با جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه کشور یاد می کنیم، قطعاً باید بر آن خصوصیات و متمایزیهایی مبارزات خلق کرد تأکید کنیم که مویذ این همپویندی هستند و آن را امکان پذیر می سازند. با رزترین این خصوصیات همانا تلفیق خواستهای ملی خلق کرد با آماجهای عمومی جنبش انقلابی کشور ما در

دولت قانوناً خدمتگزار تجار شد

هرینه اش را تحمل بکند. آنجا دودستی تقدیم افراد بکند، آنها هم بدون اینکه کنترل نمی نظارتی باشد توزیع بکنند... در جای دیگر همین نماینده معترض گفت: "این چه الزامی است که به دولت بگوئیم شما الزاماً باید نفت را بفروشید و ارز آن را هم بدهید به یک عده که کلاهبرداری تا معلوم بشود که انحصار نیست؟" وی گفت: "من فکر می کنم اصلاحیه به نحوی که الان انجام گرفته نه به مقتضای قانون اساسی است و نه به مصلحت است که دولت را درگیر یک زبان بکنیم که کالاهای پرسود کم حجم را که می تواند سود آور باشد، در داخل کشور گاهی شش تا هفتصد درصد زری آنها سود می گیرند اجازه بدهیم دیگران وارد کنند، آن هم از ارز دولتی، اما تیر آهن و چیزهای حجیم را دولت وارد کند و در مرزها بین آقایان تسلیم کند." در مقابل اعتراضات این عده از نمایندگان مجلس، موسوی خوئینی ها سعی کرد چنان وانمود کند که اتفاق مفیدی نیفتاده است. او در جواب به معترضین گفت: "در ماده ۳ تمام قضیه این بود که کلمه "کلیه" را که دست غیر دولت را کاملاً بسته است حذف کردیم."

اکثریت مجلس نیز هم صدا با شورای نگهبان و کمیسیون ویژه به این ماده پیشنهادی و سایر مواد این لایحه رای مثبت داد. نمایندگان معترض و مخالف "لایحه پیشنهادی" نیز وقتی نتوانستند مانع تصویب آن شوند، تلاش خود را بر این متمرکز کردند تا با تغییری در مواد و تبصره ها، مانع بهره برداری بخش خصوصی از ارز دولتی شوند. آنها تغییر جدی که این نیروها توانستند در این لایحه وارد کنند و از تصویب مجلس بگذرانند، تغییری بود در تبصره ۲ ماده ۴ لایحه، که طبق آن بخش غیردولتی تنها "با ارز تحصیلی خود" مجاز به وارد کردن کالا شده است. گرچه هدف نمایندگان معترض این بود که با این تغییر، قانوناً دست سرمایه داران غارتگر را در استفاده از ارز دولتی ببندند، ولی مادامی که کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان در حکومت مسلطند، راههای سواستفاده از ارز دولتی را پیدا خواهند کرد. قانون مصوب از جهات مختلف ضدمردمی و در جهت ادامه و تحکیم غارتگری های بی بند و بار کلان تاجران و بزرگ سرمایه داران، در جهت تشدید تقویت وابستگی به انحصارات امپریالیستی است:

اولاً - طبق ماده ۳ این قانون که اساسی ترین و مهم ترین ماده آنست، بر خلاف نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی که "تجارت خارجی را دولتی" اعلام کرده است، دست تجار بزرگ را در میگرداند و دولت را مجاز می گرداند.

بنابراین آنچه که روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از مجله بانک مرکزی (مفصله ۱۵۳، شماره ۱۸۲) اعلام کرده: "واردات بخش خصوصی در سال ۵۸ نسبت به سال ۵۷، صد در صد افزایش یافت." این روند تقریباً تا نیمه دوم سال ۵۹ که مقارن با شروع جنگ تحمیلی بود، ادامه داشت. بطوریکه در نیمه اول سال ۵۹ از ۱۵ میلیارد دلار واردات آن سال، ۱۵/۵ میلیارد دلار آن متعلق به بخش خصوصی بود.

در سالهای بعد علیرغم اینکه ارز تحصیلی دولت کمتر شد، واردات کالا توسط بخش خصوصی به میزان سالهای قبل ادامه یافت. قانون مصوب مجلس اگرچه به دلیل غیرمجاز دانستن سرمایه داران و تاجران در استفاده از ارز دولتی، ظاهراً محدودیتهایی برای ورود کالا توسط این زولوفتدان بوجود

لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی که دیال پیش از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته بود، پس از آنکه توسط شورای نگهبان رد شد، در اختیار کمیسیون ویژه دولتی کردت بازرگانی خارجی مجلس قرار گرفت. کمیسیون ویژه نیز پس از وارد کردن تغییرات دلخواه شورای نگهبان مجدداً این لایحه به اصطلاح "دولتی کردن تجارت خارجی" رای مجلس ارائه داد که در آخرین روزهای حیات مجلس دوره اول از تصویب آن گذشت.

در ابتدای تصویب این لایحه، آقای موسوی خوئینی ها (رئیس کمیسیون ویژه)، اصلاحات وارد شده را توضیح داد، وی در رابطه با این نظر شورای نگهبان که لایحه را به دلیل انحصار تجارت خارجی در دست دولت و همچنین ممانعت کلان تاجران از ورود کالا "غیرشرعی" دانسته بود، اظهار داشت: "کمیسیون برای حل مسئله گفت که ما اعلام می کنیم، تجارت خارجی آزاد است، اما هر کس از پول خودش..." (اطلاعات اردیبهشت ۶۳)

ولی علیرغم اینکه، آقای خوئینی ها و کمیسیون ویژه مجلس حاضر شدند اساس اصل ۴۴ قانون اساسی را که صریحاً "بازرگانی خارجی" را "دولتی" اعلام کرده است، زیر پا گذارند، شورای نگهبان به این امر راضی نشد و وقیحانه اعلام کرد: "درست است که شما تجارت خارجی را آزاد کرده اید ولی بخش خصوصی که ارز ندارد و این در باطن آن باز تجارت خارجی در انحصار دولت است..." (اطلاعات اردیبهشت ۶۳) خوئینی ها در ادامه سخنانش گفت: "... بدین ترتیب ما ناگزیر بودیم لایحه را به شکلی اصلاح کنیم که شورای نگهبان آن را بپذیرد."

البته تسلیم شدن آقای خوئینی ها و هم-ملکانشان به شورای نگهبان در این حد باقی نماند. خود ایشان می گویند: "نکته دیگری که مورد اشکال شورای نگهبان بود، این مسئله بود که بخش خصوصی اگر کالایی وارد کشور کرد توزیع آن باید در دست دولت باشد. شورای نگهبان در این مورد گفت: "شما چه حقی دارید که بگوئید باید این کالا را در اختیار ما بگذارید که ما آن را توزیع کنیم."

بدین ترتیب لایحه پیشنهادی کمیسیون ویژه به مجلس هم دست سرمایه داران را در وارد کردن کالاها باز گذاشت، هم استفاده از ارز دولتی را برای آنان مجاز و تسهیل کرد و در توزیع کالاها و وارداتی این غارتگران زولوفت را آزاد گذاشت. تا هر مقدار که بخواهند مردم را بچاپند. در ماده ۴ لایحه پیشین دولتی کردن بازرگانی خارجی که در اردیبهشت ۶۱ از تصویب مجلس گذشت بود، خرید "کلیه کالاهای وارداتی، اعم از کالا و مواد و خدمات بازرگانی مربوطه از خارج کشور، تماماً در اختیار مراکز خرید" ی گذاشته شده بود که می بایست توسط "وزارت بازرگانی" تشکیل می شد. تغییری که زیر فشار شورای نگهبان در این لایحه بوجود آمد به شکل وقیحانه تری آنرا منسوخ و نهی نمود. این تغییرات تنها بسود تجار بزرگ و انحصارات ریالیستی عمل می کند.

در ماده ۴ لایحه جدید آمده است که جهت "نظارت بر واردات و تخصیص دولتی، تعاونی و خصوصی..." توسط وزارت بازرگانی تشکیل می شود. بر اساس این تغییر، خرید کالا از خارج توسط بخش خصوصی و به اصطلاح تعاونی هم طراز با دولت مجاز و قانونی شناخته شده است این تغییر موجب اعتراض جدی عده ای از نمایندگان شد. یکی از این نمایندگان گفت: این اصلاحیه، به این شکل خلاف صریح قانون اساسی است. معنای این اصلاحیه این است که ما دولت را مکتف کردیم که کالا را از میندا خرید، تا مرز بیارود و

می آورد، ولی راه برای آنان باز گذاشته شد، است که در زدو بند با مقامات و ارگان های حکومتی و انحصارات امپریالیستی، قدر باشند به قیمت افلاس و خانه خرابی هرچه بیشتر مردم، سلطه خود را بر تجارت خارجی و اقتصاد ملی کشور حفظ کنند.

ثانیاً - در این قانون، چگونگی رابطه تجارت خارجی با توزیع داخلی چنان است که دولت را به عامل و کارگزار بی جیره و مواجب سرمایه داران بدل کرده است. قانون مصوب، این امکان را می دهد که همان روندی که در رژیم شاه و در رژیم جمهوری اسلامی تا کنون در عرصه ورود کالا توسط دولت و توزیع آن توسط بخش خصوصی وجود داشت، حفظ و تداوم یابد.

این وضع یعنی ادامه احتکار، غارتگری، رشوه خواری و فساد از یک طرف و غارت بی امان مردم از طرف دیگر. این وضع یعنی ادامه کار بی حاصل و اتلاف نیروی صدها هزار نفر در شبکه ضمرودی تا عادلانه توزیع وعدم بهره برداری جامعه از کار سازنده آنها در امر تولید. این وضع یعنی بقا و رشد واسطه های انگلی که سایه شومشان بر اقتصاد کشور همواره با افزایش گرانی کالاها، افزایش تورم، رشد فساد و ایجاد کارهای کاذب و میان تهی همراه است. "کوتاه کردن دست واسطه ها" یکی از اساسی ترین اقداماتی است که می بایست جهت سازماندهی توزیع عادلانه و مردمی صورت گیرد. نقش واسطه های طبقاتی و انگلی است. شرط مهم و حتمی سازماندهی، توزیع عادلانه، حذف کامل این لایه انگل است. قانون مصوب نه تنها این کار را نمی کند، بلکه با قانونی شناختن فعالیت واسطه ها و ایجاد امکانات برای آنان و موجد رشد و تقویت این لایه می شود. نتیجه اش ادامه و تشدید بحران است که اکنون بر اقتصاد کشور حاکم است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در برنامه خود ضمن تشریح وضع اسفبار توزیع راه برون رفت از آن را نیز نشان داده است. در برنامه ما آمده است که: "اقتصاد وابسته ایران که محصول سالها سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است طیف وسیعی از واسطه ها و دلالان فروش کالا را پدید آورده است. تجار بزرگ از طریق احتکار کالاها، از طریق ایجاد واسطه های مکرر در شبکه توزیع بخش مهمی از دسترنج مردم را به جیب می زنند. تجارت داخلی وسیله بسیار مناسبی شده است برای دست بردارنده و در ادامه می گوید: "هرگاه توزیع عمده کالاها و وارداتی بر عهده دولت باشد، انگاره دولتی شدن بازرگانی خارجی کمک بسیار موفقی به کوتاه کردن دست واسطه ها خواهد کرد. در غیر این صورت دولتی کردن بازرگانی خارجی، عمده ترین اهداف خود را نمی می کند و از مضمون اساسی خود تهی میگردد."

برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مفهوم واقعی دولتی کردن تجارت خارجی را توضیح داده و تفاوت آن را با قانونی که زیر عنوان "دولتی کردن تجارت خارجی" گماکان مانع کلان-تاجران و واسطه ها را تأمین می کند، روشن کرده است. در برنامه ما آمده است: "دولتی شدن بازرگانی بدین معنا نیست که دولت بجای سرمایه داران کالا وارد کند و در داخل کشور تحویل تجار عمده فروش بدهد و خود را تساح کارگزار تجار بخش خصوصی تنزل دهد. در تمام عرصه های بازرگانی و توزیع داخلی حذف هرچه بیشتر واسطه ها و برقراری رابطه مستقیم میان مراکز تولید و بازار مصرف مهمترین مسئله است. تصویب این به اصطلاح "قانون دولتی کردن تجارت" بقیه در صفحه ۸

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از مبارزه همه نیروهای کرد و غیر کرد که تأمین خودمختاری برای کردستان و دمکراسی، صلح و استقلال و عدالت اجتماعی برای تمام خلایق ایران را آماج خود قرار داده اند، حمایت می کند. حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و عده دیگری از سازمانهای چپ انقلابی خواهان تأمین خودمختاری بسرای کردستان هستند و در این راه مبارزه می کنند. آنها به دلیل همین مبارزه آماج تهاجمات خونین و سرکوبگرانه مرتجعین حاکم قرار گرفته اند. سازمان ما این تهاجمات سرکوبگرانه را محکوم می کند و افشای جنایاتی را که حکومت در این راستا مرتکب می شود، یک وظیفه انقلابی می شناسد. حکومت طی سالهای اخیر در کردستان، آسیبها و ویرانی های بسیاری پدید آورد و کوشید بسیاری از امکانات را از دسترس نیروهای انقلابی خارج کند. با این همه در آستانه ششمین سال تهاجم حکومت، جبهه مبارزه مردمی در کردستان امکانات لازم را برای خنثی کردن نقشه های حکومت دارد. نیروی متراکم مردم کشور ماکه روزگاری رهبری جمهوری اسلامی را به قدرت رساند، اکنون بطور دم افزون علیه آن سمت می یابد. این نیرو پشتوانه فنانا پذیرد همه کانونهای مبارزه مردمی است. زمان به زیان مرتجعین حاکم عمل می کند و وظیفه ما است که در کوتاهترین زمان بیشترین امکاناتمان را برای درهم شکستن نقشه های امپریالیسم و ارتجاع علیه جنبش انقلابی کشورمان بسیج کنیم. اتحاد رزمده همه نیروهای خلقی کشورمان، یقیناً امکانات بسیج بیشتری را در اختیار جنبش ملی خلق کرد و همه مردم ایران قرار خواهد داد. عالیترین شماره این اتحاد انزواوی روز افزون و هرچه بیشتر مرتجعین حاکم بر کشور و فراهم گشتن نیروی کافی برای پایان دادن به سلطه آن در حکومت است.

و برای پیشرفت و اعتلای آن تلاش می ورزند. "تحکیم همبستگی بنیادی خلایق در گرو هر گونه تبعیض و ستم ملی مفاغنی است که از جانب امپریالیسم و حکومت های ارتجاعی و طبقات چپا ولگر بر خلایق غیرنژادس تحمیل شده است."

حق تعیین سرنوشت، بعنوان شالوده همه حقوق ملی خلایق، روح برنامه و سیاست سازمان ما را در این زمینه تشکیل می دهد. در برنامه ما خودمختاری برای خلایق، بعنوان آماج عمده جنبش ملی مورد تاکید قرار گرفته است. اعتقاد ما این است که تأمین این حقوق تنها در شرایط حفظ همبستگی خلایق و یکپارچگی مین در برابر امپریالیسم و عوامل آن میسر است. تصوراتی که خلایق ساکن کشور ما نتوانند از طریق جدا کردن راه و هدف خویش از جنبش ضد امپریالیستی و آزادخواهانه سراسری و پشت کردن به همبستگی خلایق و یکپارچگی مین، به حقوق خویش دست یابند، تصوری ارتجاعی و کاملاً بر علیه منافع مردم کردستان و تمام خلایق کشورمان است. همانطور که در برنامه سازمان ما منعکس است همبوندی جنبش ملی با جنبش ضد امپریالیستی و آزادخواهانه سراسری و یکپار طبقاتی توده ها شالوده ای است که تنها بر پایه آن می توان برنامه و سیاستی انقلابی برای تأمین حقوق خلایق ساکن کشور پیش گرفت. به نظر ما به همان میزان که امر خودمختاری یعنی هدف عمده جنبش ملی با آماج های جنبش سراسری بیشتر گردد و پیوند بنیاد، مبارزه در راه تأمین حقوق ملی، ظرفیتون تر و نیرومندتر خواهد شد و از پشتیبانی بازم و وسیعتر توده های سراسر کشور برخوردار می شود.

از رویدادهای خرداد

دو کنفرانس با دو هدف متضاد

در ماه گذشته، دو کنفرانس مهم اقتصادی که تصمیمات آنها در سیر رویدادهای جهانی حاضر اهمیت می باشد، تشکیل شد. کنفرانس رهبران کشورهای سوسیالیستی عضو "شورای همپای اقتصادی" در مسکو و کنفرانس رهبران هفت کشور پیشرفته سرمایه داری در لندن.

بررسی و مقایسه تصمیمات دو کنفرانس نشان می دهد که جامعه کشورهای سوسیالیستی با اتحاد مستحکم و برادرانه با آهنگ مناسب و مطمئن، در ساختمان سوسیالیسم پیش می روند و با احساس مسئولیت جدی در راه حل معضلات جامعه بشری تلاش می کنند. در حالیکه دنیای سرمایه داری غریب در تضادهای شدید فنیابین با معضلات علاج ناپذیر مواجه است و همچنان در راه ادامه و گسترش سیاستهای جنگ افروزان و تهدید صلح و امنیت جهانی تلاش می ورزد.

کنفرانس لندن که دهمین اجلاس رهبران هفت کشور سرمایه داری بود، به منظور بررسی معضلات اقتصاد جهان سرمایه داری و چاره اندیشی جهت حل آنها برگزار گردیده بود. کشورهای امپریالیستی شرکت کننده در مورد مسایل مهم، نگرش های متفاوتی اراشه دادند که در بسیاری موارد، اختلاف نظر شدیدی داشتند.

از جمله در کنفرانس، تلاش آمریکا این بود است که اعضا شرکت کننده علیه کوششهای صلح جویانه اتحاد شوروی و تأیید سیاست برتری طلبانه و جنگ افروزانه واشنگتن اعلام موضع کنند. اما بسیاری از دول سرمایه داری علاقه مند هستند که راه حل بحران موجود در مناسبات بین شوروی و آمریکا، راههای مذاکرات مجدد خلق سلاح و امنیت بین المللی را مورد توجه قرار دهند.

ریگان همچنین کوشش کرد تا کنفرانس به سیاست مالی و اقتصادی دولت وی گردن نهد. مطابق این سیاست متحدین آمریکا مجبور می شوند هزینه ماچرا جوییهای واشنگتن بپردازند. یکی از اقدامات دولت ریگان در این زمینه با لا بردن نرخ بهره بانکی در آمریکا است که این خود یکی از مشکلات مهم اقتصادی دول اروپایی است.

علاوه بر آن کشورهای در حال توسعه، مبالغ کلانی به بانکهای امپریالیستی بدهکارند و اگر قادر نیستند در موعد مقرر بدهی خود را بپردازند، این کشورها مجبور میشوند با دریافت وام های جدید با بهره های بالا از نگاه های امپریالیستی اقساط وام های گذشته خود را پرداخت کنند.

ادامه این وضع، وضع بحران اقتصادی موجود بین کشورها را عمیق تر می کند. از آنجا که کشورهای در حال رشد بازار وسیع صدور سرمایه و کالا را به هم غارت انحصارات هستند، تشدید بحران اقتصادی آنها، که خود ناشی از اعمال سیاست های غارتگرانه امپریالیستی و ساختارهای اقتصادی وابسته آنان است، بنوبه خود در اقتصاد کشورهای امپریالیستی تأثیر منفی شدیدی بجای می گذارد. سیاست های اقتصادی آمریکا این وضعیت را به زیان سایر کشورهای سرمایه داری تشدید میکند. در صورت کاهش شدید قدرت با زبردت اخت دیون از طرف کشورهای در حال رشد، بانک های کوچک تر امپریالیستی بیشتر از بانکهای درتمند امپریالیستی که سهام آنها عمدتاً به آمریکاییان تعلق دارد، زیان خواهند دید.

تلاش ریگان این بود که کنفرانس، بررسی مسایل اقتصادی مورد علاقه دول سرمایه داری اروپا را در اولویت قرار نهد. در حالی که دول اروپایی اوضاع اقتصادی کشور خود را با سیاست ریگان مرتبط می بینند و از سیاست مالی واشنگتن انتقاد می کنند، با وجود این کنفرانس در سند پایانی خود از انتقاد از سیاست مالی دولت ریگان خودداری کرد.

کنفرانس لندن نشان داد که دول امپریالیستی علیرغم رقابت شدید اقتصادی در استثمار و غارت ملل در حال توسعه نظر واحدی ندارند. کنفرانس در تکمیل اقدامات غارتگرانه اقتصادی خود علیه این کشورها، شرکت کنندگان را به هماهنگ کردن عملیات اطلاعاتی تجار و کاروانه علیه جنبش های رهایی بخش تحت عنوان مبارزه با تروریسم موظف کرد. نمونه بارز تلاش های امپریالیست ها در این جهت موفق انگلیس و فرانسه با آمریکا برای اقدام مشترک در خلیج فارس در مواقع ضرور است، که در حاشیه کنفرانس صورت گرفت. علیرغم ابراز تمایل شرکت کنندگان در کنفرانس به برقراری صلح بین ایران و عراق،

این موافقتنامه مقاصد واقعی امپریالیستهای جنگ افروز را علیه استقلال و آزادی کشورهای منطقه عریان می سازد.

متعاقب کنفرانس لندن جلسه مشاوره رهبران کشورهای عضو شورای همپای اقتصادی به مدت سه روز (از ۲۲ تا ۲۴ خردادماه) در مسکو تشکیل گردید. در این جلسه مهم ترین مسأله مربوط به پیشرفت اقتصادی و همکاری کشورهای سوسیالیستی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. و اسناد مربوط به جهات اصلی همکاری کشورهای درازمدت به امضا رسید. رهبران و نمایندگان بلندیایه اتحاد شوروی، بلغارستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، مجارستان، چکسلواکی، لهستان، رومانی، ویتنام، مغولستان و کوبا در پایان اجلاس بیانیه ای در مورد حفظ صلح و همکاری اقتصادی بین المللی تصویب کردند. در بیانیه گفته می شود که محافل حاکم آمریکا تلاش دارند از روابط اقتصادی بین المللی برای اهداف سیاسی خود استفاده کنند و با استفاده از همه وسایل، سنگینی بحران های اقتصادی خود را بر دوش سایرین منتقل سازند. در این بیانیه خاطر نشان می شود که "نمایندگان بلندیایه کشورهای عضو شورای همپای اقتصادی" اعتقاد کامل دارند که هیچ مسأله جهانی از جمله مناقشه تاریخی بین سوسیالیسم و سرمایه داری نمی تواند از راه نظامی حل و فصل شود. اکنون وظیفه ای مهمتر از حفظ صلح در جهان و جلوگیری از جنگ هسته ای وجود ندارد.

در جلسه مشاوره رهبران کشورهای عضو همکاری اقتصادی به اصول همزیستی مسالمت آمیز تأکید شد و از تمام ملت ها و رهبران دولت ها دعوت به عمل آمد که در زمینه سالم سازی روابط اقتصادی بین المللی و تأمین امنیت اقتصادی برقرار آید. اعتماد متقابل اقدامات فعالانه تری به عمل آید.

امروزه، در حالی که کشورهای سرمایه داری پیشرفته با بحرانهای جدی اقتصادی و اجتماعی روبرو هستند، کشورهای سوسیالیستی عضو همپای اقتصادی از رشد مطمئن اقتصادی برخوردارند. در این کشورها زندگی در همه عرصه ها روز به روز غنی تر می شود، سیستم سیاسی سوسیالیسم گسترش می یابد و دمکراسی سوسیالیستی تکامل پیدا می کند. در کشورهای عضو "شورای همپای اقتصادی" بهداشت و تحصیل رایگان تأمین شده و مردم به آینده زندگی خود اطمینان دارند. در این جوامع شرایط برای رشد همه جانبه شخصیت انسان فراهم است.

تدوین خط مشی همکاری و پیشبرد همکاری اقتصادی بین اعضا شورای همپای اقتصادی امکان داده است که در بسیاری از زمینه ها تأثیر بحران اقتصادی گسترش یافته جهان سرمایه داری بر اقتصاد آنها به نحو چشمگیری کاهش یافته و تلاشهای امپریالیسم آمریکا و برخی هم پیمانان آن برای اجرای سیاست فشار اقتصادی موثر واقع نشود.

روابط بین اعضای شورای همپای اقتصادی بر اساس اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی و احترام به حق حاکمیت، دوستی و عدم مداخله در امور داخلی، برابری کامل حقوق و کمک متقابل برادرانه قرار دارد. در بین این کشورها بر خلاف کشورهای صنعتی سرمایه داری، رقابت و ستیز بر سر قیمت ها، بازاریهای جهانی و نرخ بهره بانکی وجود ندارد. قیمت کالاها با همکاری و مذاکرات تمام کشورها تعیین می گردد.

تلاش جامعه کشورهای سوسیالیستی در آنست که روابط اقتصادی بین المللی برشالوده سالمی پی ریزی شود و به مسابقه تسلیحاتی پایان داده شود.

کنفرانس مسکو تجلی اتحاد، پیشرفت و صلح بوده است، و این درست نقطه مقابل کنفرانس سران هفت کشور امپریالیستی است که تضاد و بحران جنگ طلبی بر آن سایه افکنده بود.

تظاهرات مجاهدین در ۳۰ خرداد

در سالگرد این روز مجاهدین خلق، در برخی کشورهای اروپایی، به تظاهرات و نمایش های اعتراضی دست زدند. علاوه بر نیروهای مجاهد داخل کشور نیز فعالیت تبلیغی رای عمده صورت شعار نویسی و پخش تراکت سازمان دادند. سه سال پیش در چنین روزی سازمان مجاهدین خلق ایران تعرضی متقابل مسلحانه ای را علیه جمهوری اسلامی ایران و شخصی آیت الله خمینی آغاز کرد. این تعرض متقابل و همه جانبه برابری ارزیابی مبتنی بود که چنانچه همه نیروهای ممکن به میدان کشیده شوند و از همه اشکال مبارزه، به ویژه عملیات مسلحانه استفاده شود، تعادل توان و گرایش توده ها بگونه ایست که آیت الله خمینی سرکون می شود. این ارزیابی شالوده و اساس اتخاذ تاکتیک مسلحانه به معنای "شکل محسوری مبارزه" از سوی مجاهدین گشت. نقشه شوم راستگرایان و قشربون مذهبی، که

طراح و گرداننده خونریزی در صفوف مردم بودند، هم آن بود که این درگیری را وسیله تحکیم مواضع خود در قدرت و بهانه سرکوب خوین و ددمشخانه مجاهدین سازند و آنان را نیست و نابود کنند.

در اجرای این نقشه شوم، رژیم دهبازار نگر از مجاهدین، که اکثریت قریب به افضا ق آنان جوان و نوجوان هوادار ساده مجاهدین بودند، را به وحشیانه ترین شکل ممکن مورد تاخت و تاز و زندان و شکنجه قرار داد و هزاران تن از آنان را به فجیع ترین و بیرحمانه ترین شکل به شهادت رسانید. در پس پرده دهی که این سبیز خوین ایجاد کرد، مرتجعین راستگرا به تحکیم مواضع خود در دستگاه حاکمه نشاندند.

اما علیرغم تمام این جنایات سازمان مجاهدین نابود نشد و نمی توانست نابود شود. مجاهدین نه تنها باقی ماندند، بلکه اکنون، سه سال پس از سی خرداد شعارها و پیام های خود را درباره صلح و آزادی بیان مسترد می برند. مجاهدین در داخل کشور اکنون روی تبلیغ سیاسی تکیه می کنند. با این تکیه هم نیروی فعال بیشتری امکان یافته به عرصه عمل انقلابی گام نهاد هم حضور و مبارزه آنان برای مردم ملموس تر شده است.

جرحش حکومت جمهوری اسلامی به راست و سمت گیری آن بود کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، ادامه جنگ خانمان سوز و ترور و اختناق بی سابقه ای که بر مردم تحمیل کرده به تقابل آن با توده های خلق دامن زده است و آن را در سبک و نابودی نیروهای ترقیخواه ناتوان ساخت. است. چرا که مردم بطور عینی در مقابل رژیم و سمت حرکت آن قرار گرفته اند. اکنون علیرغم همه کشتارها و شکنجه ها و ددمنشی های نیروهای ارتجاع، اعتراض علیه رژیم با اقبال بیشتر توده ها مواجه می شود. خیزش و نوخیز بانگ اعتراض، پیامد قهری ستم و سرکوبی است که ارتجاع حاکم بر توده های خلق تحمیل می کند.

آمریکا علیه آرمانهای المپیک

اتحاد شوروی، جمهوری دمکراتیک آلمان، مجارستان، بلغارستان، لهستان، چکسلواکی، مغولستان، اتیوپی، لائوس، افغانستان، ... در نتیجه کارشکنی های آمریکا درجهت جلوگیری از شرکت این کشورها در بازیهای المپیک لس آنجلس که یکی از موارد در آن تحرک باندهای سپاه و جنایتکار برای سلب امنیت جانشینی ورزشکاران اتحاد شوروی، اعلام کردند. سال در بازیهای المپیک شرکت نخواهند کرد. بدین گونه بازیهای المپیک که جلوه ای از دوستی و تفاهم بین المللی است، امسال بوسیله اعمال سیاست تنش آفرین آمریکا بدل شده و منحل فرشته ای گشته است که آن را عملاً از محتوی تهی می سازد. تاکنون کشورهای سوسیالیستی با رغبت و آمادگی تمام در بازیهای المپیک شرکت کرده اند. اتحاد شوروی و آلمان دمکراتیک در دوره بازیهای المپیک در مونترآل و مسکو به لحاظ تعداد مدال ها و امتیازات به ترتیب مقام های او و اول کسب کردند. برخی دیگر از کشورهای معترض نیز در بازیهای المپیک گذشته موفقیتها و پیروزیهای چشمگیری داشته اند و از ارکان اصلی آن به شمار می آید. سوسیالیسم برتری خود را نسبت به سرمایه داری در این عرصه نیز نشان داده است. کشورهای سوسیالیستی همواره بازی های المپیک را بعنوان مظهر دوستی و تفاهم ملت ها و همزیستی مسالمت آمیز دولت های بانظام منهای مختلف تلقی کرده اند و به بزرگوارانه هزینه های تری آن کمک رسانده اند و همواره پاسدار آرمانهای بشردوستانه المپیک بوده اند.

دولت کاتر در چهار سال پیش المپیک مسکو را کاملاً به دلایل سیاسی تحریم کرد. کارتر بیکار خلق افغانستان علیه توطئه های امپریالیسم جهانی و پشتیبانی اتحاد شوروی از مسابقات مردم افغانستان را دستاویز قرارداد به همراه برخی از کشورهای غربی از شرکت در بازیهای مسکو خودداری کرد. المپیک مسکو با وجود تحریم آمریکا و برخی از کشورها، با شکوه و عظمت تمام برگزار شد و ۸۱ کشور در این بازیها شرکت کردند. این بار دولت ریگان که از آغاز دوره ریاست جمهوری علیه کمونیسم جنگ طلبی اعلام کرده است، این دوره از بازیهای المپیک را با تیرهای زهرآکین فذکمونیسم هدف قرار داده است.

در سایه سیاست فذکمونیستی ریگان، گروه های راست افراطی امکان یافته اند که با زور زکاران کشورهای سوسیالیستی را مورد تهدید قرار دهند. سازمان فذکمونیستی در لس آنجلس اعلام کرده اند که: "ما شرکت روس ها (در المپیک) را برای آنها تا حد امکان ناگوار خواهیم کرد." از نیویورک تا لس آنجلس پیوسته ای نصب شده و روی آنها نوشته شده است که: "یک روس را بکش، بیانت های گروهی به خدمت گروه های افراطی در آمدند است. آنان وسیعاً اعلامیه بخش می کنند و تظاهرات

برگزار می کنند. بلاکاردهایی با آدرس و شماره تلفن با این مضمون در همه جا به چشم می خورد: "اینجا کشور آزادی است. و این شماره تلفنی است که از طریق آن می توانی در اینجا ممانعتی در اطلاعیه کمیته المپیک اتحاد شوروی آمده است: "گروه ها و سازمان های افراطی باهدف ایجاد شرایط غیرقابل تحمل برای اقامت هیئت اتحاد شوروی و شرکت ورزشکاران شوروی، اقدامات خود را تشدید کرده اند." از جانب کمیته المپیک کشورهای سوسیالیستی بارها نسبت به نقض مفاد منشور المپیک به کمیته برگزاری بازیها، اعتراض شده است و کمیته بین المللی المپیک این اعتراضات را وارد تشخیص داده است. ولی بااین وجود، اقدامات باندهای تبهکار همچنان ادامه دارد.

در چنین شرایطی که ریگان بازیهای المپیک لس آنجلس را به عرصه جنگ طبیبی علیه کمونیسم تبدیل کرده است، و امنیت ورزشکاران کشورهای سوسیالیستی را مورد تهدید جدی قرار داده است، طبیعا شرکت ورزشکاران این کشورها در بازیهای لس آنجلس امکان پذیر نیست. عدم شرکت کشورهای سوسیالیستی در بازیهای المپیک، سیاست ضد کمونیستی و ضد شوروی ریگان را در سطح بین المللی بیش از پیش افشا می کند.

فریکاری زبوانه

شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی بعد از هوی رهبران حکومت در مورد عفو زندانیان سیاسی، بخشنامه ای در ده ماده تنظیم کرد و به تایید آیت الله خمینی رساند. در قسمت (ب) این بخشنامه که مربوط به زندانیان سیاسی است آمده است: "جرائم مربوط به اعضای گروه های محارب و منفذ که بر علیه جمهوری اسلامی قیام نموده باشند مگر در مورد کسانی که به عنوان هوادار یا مطالعه تشریاتی که نشر عمومی

"ما از مرگ قویترین"

رفیق حمید اشرف، از بنیانگذاران "گروه بیژن جزئی" تا سال ۱۳۴۹ در مبارزات آن گروه فعالانه شرکت داشت و در ادامه همین مبارزات، در بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نقش برجسته ای ایفا کرد. حمید اشرف، مارکسیستی مبارز و پیگیر و خستگی ناپذیر بود که در تداوم حیات سازمان ما نقش درجه اول داشت. سازمان ما که در آغاز اعلام موجودیت خود در سال های ۴۹ و ۵۰ ضربات جدی متحمل گردید، در پرتو تلاشهای جانبازانه تنی چند از رفقا و بیش از همه رفیق حمید توانستیم مشکلات چیره شود و به تجدید سازماندهی نیروها بپردازد.

تار و پود وجود رفیق حمید از کینه ای بیق به دشمنان زحمتکشان و از عشق شورآفرین به خلقهای زحمتکش میهنمان لبریز بود.

پایمردی، مقاومت و خصائل مردمی و انقلابی حمید، امروز نیز سرمشق و الهام بخش یارجویان انقلابی است که در شرایط ترور و اختناق علیه پاسداران نظام جور و ستم و برای بهروزی و سعادت کارگران و زحمتکشان مبارزه می کنند. سنتها و ارزشهایی که رفقای پاک باخته مادر طول حیات سازمان بوجود آورده، پشتوانه محکمی برای مبارزه در شرایط کنونی است.

رژیم پوسیده شاه بعد از شهادت رفیق حمید با بوق و کرنا اعلام کرد که دیگر فدائیان نابود شدند و اوضاع تماما بر وفق مراد است. و کسی را برای پایداری در مقابل حاکم زمان نیست.

"ما از مرگ قوی ترین مامه چون برجزایرهای "چه هوا" هرساله در می نویسیم

و سال دیگر بیاریم و سازمان ما به همت و تدبیر سایر رفقا زینکار انقلابی باز ایستاد و دست در دستهای پیوسته زحمتکشان به استقبال طلوع خورشید انقلاب بستاند.

امروز حکام مرتجع جمهوری اسلامی بعد از تیراکی که به سازمانهای انقلابی و بیوزبه به حزب توده ایران وارد آوردند، همان نغمه های تومر اسر می دهند که رژیم شاه و ساواک سرداد. آنان با پیگردها و دستگیریهای گسترده، شکنجه های بیگانه و اعدام های وسیع و بی سابقه و با نمایش های ددمنشانه تلویزیونی می خواهند این ذهنیت را به مردم رنج دیده ما و نیروهای انقلابی القا کنند که جمهوری اسلامی حکومتی است قدر قدرت، که هیچ نیرویی را یارای مقابله با آن نیست!

داشته اند و به حبس تا یک سال تمام محکوم گردیده و توبه آنان مورد تصدیق دادستان جبری حکم و تایید حاکم شرع رسیده باشد" از شمول قانون عمومی مستثنی است. بدین گونه حکومت خود پوچی هیاهوی خویش را در مورد "عفو زندانیان" افشا کرده و اذعان می کند که عده کثیری از زندانیان، تنها بخاطر هواداری از سازمان های مترقی و یا صرفا بخاطر "مطالعه تشریاتی کمتر عمومی" داشته اند دستگیر و روانه سياهالهای رژیم شده و در بیدادگاههای جمهوری اسلامی محکوم گشته اند. شورای عالی قضایی وقیحانه اعلام می کند که از این گروه زندانیان نیز تنها کسانی "آزاد" می شوند که در برابر جسدان زانو بزنند و "صحت" اعترافات آنان مورد تایید قرار گیرد، بخشنامه شورای عالی قضایی زمانی صادر گردیده که موج همستگی بین المللی بسا زندانیان سیاسی و اعتراض وسیع مردم میهنمان نسبت به تبهکاریهای رژیم ابعاد گسترده تری یافته است. احزاب کمونیست و کارگری، جمعیتها و سازمانهای مترقی و دمکراتیک، سندیکاهای اتحادیه های کارگری، کمیسیون حقوق بشر سازمان عفو بین المللی، و دهها سازمان و تشکلات مترقی در سراسر جهان، تنفر و انزجار خود را بگذرد، کنگره کشتار نیروهای انقلابی در ایران اعلام میدارند و در میهنمان خانواده های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان را تشکیل اجتماعات مختلف، ارسال نامه های افشاکرانه به محافل و سازمان های دمکراتیک جهان و با انتشار اعلامیه ها و نامه های سرگشاده به رفتار بربرمنشانه سرکوبگران با زندانیان سیاسی اعتراض میکنند. رهبران جمهوری اسلامی مدتها سعی می کردند که حجاب بر توجیه های بی حجاب خویش بکشند خود را نسبت به این اعتراضات بی تفاوت نشان دهند ولی عریان شدن جنایات رژیم برای مردم ایران و جهان باعث شده است که مقامات جمهوری اسلامی به فریب و نیرنگ بیشتری متوسل شوند و با راه انداختن هیاهوی اخیر چنین وانمود کنند که قصد

روحانیت حاکم چنین تبلیغ و ادعا می کند که، سازمانها و گروههای انقلابی محکوم به نابودی هستند و ایدئولوژی آنان سرانجامی جز بن بست ندارد. آنان مدعی هستند که تاکنون هر سازمان گروهی را که خواسته اند، نیست نابود کرده اند و هر انقلابی را که قصد کرده اند به زانو افکنده اند و مخالفت و مبارزه با سرکوبگران حکومت سرانجامی جز نابودی و مرگ ندارد. وجود میلیونها منت گره کرده علیه ستم، وجود دهها هزار زندانی سیاسی، صدها سياهال، اعدام هزاران تن از انقلابیون فعالیت سازمان یافته نیروهای انقلابی، گواه روشنی بر پایداری و استقامت بی سابقه و تداوم مبارزه و سند ابطال این ادعاهای جنون آمیز است. تبهکاری های جلادان هرگز نتوانسته و نمی تواند آن تضحی را که در دل پاک انقلابیون زبانه می کشد خاموش سازد.

امروز عمل آن انقلابی پرشوری که اعلامیه سازمان خود را بدست می گیرد و در بطن شبکه کشتی ها بذر آگاهی در میان مردم می پاشد و نغمه آزادی در میان مردم می خواند، خططلانی است بر تهرات رژیم. امروز فراتر از عنصر مبارزه از دام گسترده ماشین های کشت و نیم های تعقیب نشانه ای است از قدرت مقابل مبارزین بسا سرکوب حکومت. پیگردها و دستگیریهای قادیانست انقلابیون را از کار سازماندهی و افشاکری باز دارد.

مبارزین خلق در شکنجه گاهها حماسه ها می آفرینند. کثیری از انقلابیون در زیر شکنجه های جلادان جان می بازند و بر قافله شهیدان راه خلق می پیوندند و سراز خلق رادرسنه های خود حفظ می کنند. انبوهی از بیکارجویان انقلابی سرخشان بر آرزوهای خلقی خود پای می فشارند و با سرافراشته در مقابل جوخه های اعدام می ایستند، با خون خود آرزوهای مقدس خویش را پاس می دارند و بر جاودانگی راه خود در می فرستند. شراره های آتشین این انقلابیون در اوایلین دم حیات پشت ارتجاع و مزدوران آنها را به لرزه در می آورد. امروز شطی از خون این مبارزین جاری شده است. آن عده ای اسیرانی که در انتظار محاکمه هستند و با محکوم شده اند مقاومت را به اشکال دیگری سازمان می دهند. آنان بر شرایط سختی که زندانیان با وجود آورده اند غلبه می کنند، به زندگی جمعی ارتقا داده اند و روحیه جمع کمک میسرانند. اخبار قهرمانی و پایمردیهای مبارزین و جنایات رژیم را به گوش نیروهای خارج از زندان می رسانند و کار سیاسی و سازمانی را به اشکال گوناگون سازمان میدهند. در جریان رویدادهای ایران و جهان قرار میگیرند و پرورش خود و سایرین به عنوان کادرهای آماده جنبش توجه می کنند و می کوشند جو مقاومت را در زندان حفظ کنند و ارتقا بخشند.

دارند، تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد کند. این هیاهو تنها بخاطر تعدیل فشار بر دم ایران و جهان برای آزادی زندانیان سیاسی و تامین حقوق آنان است و فریبی بیش نیست. هم اکنون دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلق در سياهالهای رژیم به طایفه کشیده اند. جلادان برای کسب اطلاعات و به زانو در آوردن اسیران خود به سیمانه ترین شکنجه های بیرونی متوسل می شوند. هزاران تن از انقلابیون به جوخه های اعدام سپرده شده اند. سینه عده زیادی از زنان باردار با گلوله های سربی سرکوبگران شکافته شده است. تعداد کثیری از زنان باردار که محکوم به اعدام هستند، برای تولد فرزندان خویش و برای تیرباران شدن روز شماری می کنند.

تبهکاران لحظاتی پس از تولد فرزند، در شیرین ترین و زیباترین لحظه زندگی زن، آنها را از فرزندان خود جدا می کنند و در برابر جوخه های اعدام قرار می دهند. زندانیان از نبود دارو و دکتر رنج می برند. آنان به علت آلوده بودن محیط زندان و فشارهای جسمی و روحی به انواع بیماریها مبتلا شده اند. زندانیان از کمبود غذا رنج می برند و تنها غذای بخور و نمیری در اختیار آنان قرار می گیرد. فشارهای جسمی و روحی، فقدان دارو و دکتر، آلوده بودن محیط زندان، و کمبود مواد غذایی همه وهمه زندگی زندانیان را با دشواریهای قابل توجهی روبرو ساخته است.

مردم ایران و جهان در پرتو تلاشهای سازمانهای مترقی و آزادیخواه، بر این حقایق آگاه می یابند. رهبران جمهوری اسلامی بارها انداختن هیاهو و صدور چنین بخشنامه های نمی تواند بر دهنشای خویش سربوش بگذارند و به فریب مردم موفق گردند. مردم ایران و جهان خواستار آزادی زندانیان سیاسی، پایان بخشیدن به پیگردها و دستگیریها و قطع شکنجه و اعدام انقلابیون و توسط حکومت ایران هستند.

در کنار ایثارگری و جانبازی انقلابیون، هستند کسانی که زیر شکنجه های هولناک می شکنند، به عقاید خود پشت می کنند و به دشمن تسلیم می شوند. ولی مردم و انقلابیون از کسانی الهام می گیرند که سرخشانه در مقابل دشمن می ایستند و به آرمانهای خود پایبند می مانند.

امروز دشمنان جنبش کمونیستی بعد از ضربه به حزب توده ایران، تمام قوای خود را برای نابودی سازمان ما و برای به زانو افکندن آن بسیج کرده اند. آنان قصد دارند "ریشه" کمونیسم را در ایران بکنند و کمونیستها را به تسلیم وادار سازند. ولی با وجود شکست انقلاب بهمین و با وجود ضرباتی که حزب متحمل گشته است، ایدئولوژی و برنامه کمونیستها بیش از همیشه در جامعه ریشه می دواند. دشمن هر قدر تلاش ورزد، قادر نیست پیوند مار با کارگران و زحمتکشان بگسلد. ما به مارکسیسم-لنینیسم، این اندیشه سترک عصر ما و سلاح مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه و نظم موجود میبزم. این اندیشه از عینیت وجودی طبقه کارگر و زحمتکشان برخاسته است. منتها نیرومندی ما در حقانیت تاریخی اندیشه و راه ما، در همویمی ما با سمت تکامل تاریخ و سمت مبارزه زحمتکشان است.

تاریخ جنبش کمونیستی میهن ما و سازمان ما مشحون از پایمردی ها و قهرمانیهاست. روزه ها، وارطان ها، بیژن ها و حمیدها این اسطوره های ایستادگی و مقاومت به افتخار جنبش ما تبدیل شده اند. دشمن نمی تواند این افتخارات را از صفحات درخشان جنبش ما پاک کند.

امروز نیروهای سازمان مسئولیت سنگینی بر عهده دارند. می بایست تشکیلات سازمان را از گردن پلیس ممنوعه داریم و فعالیت انقلابی را گسترش بخشیم. روحیه انقلابیون را ارتقا دهیم، نیرو هایمان را برای کار بیشتر ترغیب کنیم. در زندانها با ایثار تمام با ستم و مقاومت را در داخل و خارج زندان سازمان دهیم. حیات و تاریخی سازمان ما با عنصر فداکاری، جانبازی و قهرمانی عجین گشته است.

می بایست متنی انقلابی سازمان را چون مردمسک چشم پاس داریم و میراث رزمندگی و تسلیم ناپذیری رفقایمان را غنا بخشیم. دشمنان از انقلابیون میخواهند تسلیم شوند و اینک با صاحبان زور روز بردارند و در بارگاه آنان زانو بزنند ولی شرط وفاداری به آرمان والای کارگران و زحمتکشان و پایبندی به راه شهادی است که آنگاه همه هستی خویش را در راه خلق فدا سازیم و با سرلندی پرچی را که در دست بیزن و حمیدرز استوار نبود بلندتر برافرازیم. بذره های مقاومت را در سینه ای که سربزه آن را شخم میزند، بیامیم. بیگمان بر شاخسار غم و رزم ما خورشید آزادی و بهروزی فرا خواهد روید.



منتشر شد

انتشار دوره جدید "مردم" ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران از تاریخ ۶۳/۳/۱۷ بطور هفتگی آغاز گردید.

پس از تشکیل بلنوم هجدهم، انتشار روزنامه "مردم" دومین موفقیت بزرگ حزب توده ایران در جهت خنثی کردن توطئه های مرتجعین حاکم است.

روزنامه "مردم" یوسا بقه ترین روزنامه جنبش کمونیستی - کارگری ایران، در تمام دوران حیات پراختیاریش همواره پرچم دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را در دست داشته و سنگر مستحکم دفاع از منافع طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما بوده است.

هرگاه که ارتجاع امکان می یابد، جنبش مردم را سرکوب کنند، روزنامه "مردم" از جمله اولین آماج های سرکوب آن بوده است.

روزنامه "مردم" در دوران طولانی حیات خود در شرایط بسیار گوناگون به کار خلاق و پرثمر خود ادامه داده است.

انتشار "نامه مردم" در شرایط کنونی، که حکام جمهوری اسلامی به وحشیانه ترین شکل ممکن نیروهای انقلابی را سرکوب می کنند، درمی یابد شکست انقلاب و نزدیکی به امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه پیش می روند.

شکست اهریمن حکم تاریخ است

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، در باره توطئه جدید حکام مرتجع جمهوری اسلامی ایران علیه توده ایهای اسیر انتشار یافت.

در تاریخ ایران و جهان، این اولین بار نیست که خرافه و تاریک اندیشی به جبران شکست های پی در پی خود فرصت می یابد.

آدمی باسرافراشته باید بزند و سرافراشته باید میرد



گرامی باد یاد شهدای تیرماه، فداییان خلق: حمید شرف، سرتن آل آقا، نادر احمد شاهی، حمید آرین، عبدالله استمزی، رباب آل عبدالله، نادر ایازی، بهزاد امیری دوان، محمد امین بهره ور، غلامعلی پورنغمه، سیمین توکلی، غلامرضا جلالی، محمدحسین حق نواز، کاظم حسینی، افضل السادات حسینی، سیاوش حمیدی، عسگر حسینی ابرده، منصور حیدری، علی اکبر حیدریان، فرامرز حمید، حسن حسین زاده، ظاهره خرم، غلامعلی خراط پور، غلامحسین خاکباز، احمد خرم آبادی، ایرج رحیم زاده، کامران رضوانی، تزهت السادات روحی آهنگران، پدالده زارع کاربزی، حمید زیان کرمانی، کاظم سلاخی، مریم شاهی، بیژن صفرپور، علی رحیمی علی آبادی، محمود عظیمی بلوریان، جعفر عبدالله پور، کاظم غیرائی، محمد مهدی فوفانی، محمود فتی، قادر فالایی، یوسف قانع خنکبجاری، مارکت قازاریان، عبدالله قزل، توفیق قربینی، هادی کاکاغانی، غلامرضا لایق مهربانی، گلرخ مهدوی، عبدالله سعیدی بیدختی، کمال محمدی، دکتراسا عیسی نریسی سا، طوبی مولودی، علی اکبر وزیر، هاشمی تنگستانی، محمد رضا پشتری، پورهورر باد راهشان، جاودان یادشان

تا کاوه آهنگر را ارج نهاد و به ایرانیان بیاموزد که عمر ضحاکان روزگار تا چه حد کوتاه است. مگر تنبکایان کلیسای قرون وسطا به قصد به تاخیر انداختن نابودی باورهای خرافی، دوام حاکمیت تنبکایان و جبارانه خود در راه نابود کردن اندیشه های نو، به هر کار رذیله ای دست نیازی دارند؟ نوآندیشان را به دار نیاویختند؟ نیاوزندند و مله نکردند؟ آیا حکومت کلیسا پایدار ماند؟ کلیسا، برونو را در آتش سوزاند، و گالیله را به انکار خدمات اعتقاد دیناویهای خود و داشت اما مقاومت تنبکایان کلیسا در برابر بسط اندیشه هایی که گالیله ها آفریدند، درهم شکست. و تاریخ راه حورکرایان را برگزید، و پرچمدار رهروان آن را به آینه دکان سپرد، به آثار و خدمات بزرگ آنان ارج نهاد و بیشانی سفاکان روزگار مهر ننگ کوید.

باستایش از فداکاری رفقا

رفقا و دوستان گرامی! قبض کیم مالی (تمبر) سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اسفندماه ۶۲ مطابق سنت همه ساله توزیع شد.

غاررگران حاکم بسود خود قوانین شرقی را مسخ و نابود و قوا تین رجاعی را توسط نمایندگان دستچین شده شان رسمیت میبخشند.

با "کار" مکاتبه کنید!

رفقا و دوستان عزیز! نشریه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همه خوانندگان خود را با نشریه فراهم کرده است.

دولت قانونا... بقیه از صفحه ۵ خارج که هم دستتجار بزرگ را در ورود کالاهای باز گذاشته و هم دولت را به کارگزار توزیع کنندگان عمده و واسطه ها تبدیل کرده است.

تصویب این قانون که شورای نگهبان منافع کلان تاجران مضمون آن را دیده کرد، بیروزی بزرگی برای مرتجعین حاکم و بیانگر عجز و ناتوانی و تسلیم طلبی مجلس دوره اول در آخرین روزهای حیاتش است.

پیش بسوی متحد خلق

Pl. 10 1091 WIEN AUSTRIA